



ماهنامه داخلی قانون و کالای دادگستری فارس - کهگیلویه و بویر احمد

شماره ۴۲-۵



قلم وکیل، تجلی عدالت و پناه مظلومان



فهرست مطالب

۲	یادداشت سردبیر
۳	دوگانگی و تضاد خودساخته‌ی جامعه‌ی امروزی ما.....
۴	مصاحبه با رئیس کل دادگستری استان فارس.....
۷	چرایی ناکارآمدی حقوق در موارد مهم.....
۱۰	چالش‌های جامع موجود در حوزه‌ی وکالت دادگستری.....
۱۳	رأی وحدت رویه نباید مغایر با قانون یا سالب حق دادخواهی مردم باشد.....
۱۵	اندر حکایت شام.....
۱۸	جامعه مدنی و گذار به دموکراسی در کشورهای در حال توسعه.....
۲۱	چالش‌های فرا روی حرفه‌ی وکالت در عصر دیجیتال و هوش مصنوعی.....
۲۳	معرفی کتاب شرق بهشت، داستان تکرار نشدنی انسان‌ها.....
۲۵	سخنی با رئیس و دبیر کمیسیون کارآموزی.....
۲۷	ضرورت به‌روزرسانی کمیسیون کارآموزی کانون‌های وکلای دادگستری.....
۳۰	برگزاری جلسه‌ی توجیهی کارآموزان ورودی ۱۴۰۳.....
۳۲	وکیل و قاضی، دو بال فرشته‌ی عدالتند.....
۳۳	بازتاب نقش وکالت در ادبیات پارسی.....
۳۴	از وکیل بودن تا حرفه‌ای شدن.....
۳۶	گزارش عملکرد کمیسیون‌ها.....
۳۹	گزارش عملکرد هیات‌مدیره‌ی کانون وکلای دادگستری فارس، کهگیلویه و بویر احمد

سردبیر: هومان پارسا

مدیر اجرایی: فاطمه نعیم چعبی

طرح جلد: الهام کاتوزیان

طراح صفحات: محبوبه براهیمیان

ویراستار ادبی: دکتر رحمانی،

ملیکا آزادگان، مهروش فرهنگند

خبرنگار: آیدا نصراللهی شیرازی

ویراستار علمی: الهام حیدری،

سیده‌زهره هاشمی‌نیا، محسن فالی

نشانی: شیراز - قدوسی غربی، بین کوچه ۱۴ و ۱۶

تلفن: ۰۷۱۳۶۲۸۶۹۴۲ نمابر: ۰۷۱۳۶۲۷۲۵۸۰

پست الکترونیک: Journal@farsbar.org



منشور

ماهنامه‌ی داخلی کانون وکلای دادگستری فارس- کهگیلویه و بویر احمد

شماره چهل و دوم :: تیر ۱۴۰۴

■ انجمن نویسندگان:

مجید رحمانی :: محمد حسین قهرمانی

رضا طیب نیا :: فاطمه نعیم چعبی :: الهام حیدری

مصطفی حسنی :: حسین کاویان پور :: مهروش فرهنگند

فاطمه رنجبر :: زهرا کرمی راد :: سعید بانسی

آراء و نوشته‌های نویسندگان مطالب منشور لزوما دیدگاه منشور و کانون وکلای دادگستری فارس، کهگیلویه و بویر احمد نیست.



یادداشت سردبیر

هومان پارسا

رئیس کانون وکلای دادگستری فارس، کهگیلویه و بویر احمد

به پاس پیوستن کارآموزان نوورود به خانواده‌ی کانون وکلای دادگستری فارس، کهگیلویه و بویر احمد فرزندان جوان خانواده‌ی کهن کانون وکلای فارس، کهگیلویه و بویر احمد اینک که به خانواده‌ی بزرگ کانون وکلای دادگستری پیوسته‌اید و در جایگاهی جای گرفته‌اید که روزی رویای آن را در سر داشته‌اید، این پیشرفت و پیروزی را به شما شادباش می‌گوییم، به یکایک شما درود می‌فرستم و حضور پرغرورتان در خانه‌ی مشترک را ارج می‌نهم.

شما به کهن‌نهادی پا نهاده‌اید که بنیادی به بلندی ۸۰ سال دارد و در کارنامه‌ی زرینش نام‌های جاودانی جاگرفته که نامشان بر تارک تاریخ نهاد وکالت می‌درخشد.

پس، قدر خویش بدانید و به خود ببالید.

دوره‌ای را پیش رو دارید که عمر و مدت آن کوتاه است و قدر و قیمت آن بسیار.

اگر آن را مشق بینگرید، غرامت است و چون عشق بپندارید، غنیمت.

در این کشتی، هر که هرچه کرد، می‌درود. پس، هرآینه به آتیه بیاندیشید و توشه از خوشه‌های معرفت بیاندوزید و هنر وکالت را بیاموزید. جامه حلم بپوشید و در کسب علم بکوشید و سخن آخر، که اولی است، این که اخلاق حرفه‌ای را پاس بدارید که سرآمد همه‌ی آموزه‌هاست.

هرآنچه را گفتم، بیاموزید و بیاندوزید، تا آن هنگام که در ردای وکالت پیمان می‌بندید، به پیمان خویش ایمان داشته باشید.

در پناه پروردگار پیروز باشید.



دوگانگی و تضاد خودساخته‌ی جامعه‌ی امروزی ما

✽ یاسر ایزدپناه :: وکیل دادگستری و دادرس دادگاه انتظامی ✽

درحالی است که بسیاری از کشورهای شناخته‌شده در جامعه‌ی بین‌الملل به روش‌های مختلف در حال کوشش برای جعل تاریخ و ساختن شناسنامه‌ی هویتی برای خویش می‌باشند و در این راه نیز گاه با دست‌آویزی و چنگ زدن به تاریخ دیگر کشورها به قول معروف سعی دارند از این نمد، کلاهی برای خود بیافند! همانند آمریکا و بسیاری دیگر از کشورهای غربی که سابقه‌ای کمتر از چند سده داشته و اغلب با تمسک به تاریخ یونان و روم باستان برای ملت خویش تاریخ‌سازی می‌نمایند و چه نیکو است که در این میان، ما ایرانیان دارای هزاران سال تاریخ مدون و ثبت شده می‌باشیم و نیازی به دست‌آویز قرار دادن تاریخ دیگر ملت یا جعل تاریخ نداریم!

اما همان گونه که در آغاز بیان گردید صرف تفاخر و مباهات به تاریخ گذشته به هیچ وجه شرط لازم و کافی جهت سعادت امروزی نیست! چراکه به فرض مثال کشورهای یونان یا مصر و بسیاری از ملت باستانی خاورمیانه مانند شام، بین‌النهرین و فنیقیه که امروزه دارای کشورهایایی با نام‌های جدید شده‌اند، دیگر هیچ رنگ و بو یا نشانه‌ای از آن تمدن درخشان باستانی پیش از میلاد مسیح را نداشته و برعکس، کشورهای نوظهوری مانند استرالیا، کانادا، نیوزلند و ایالات متحده با وجود پیشینه‌ای کمتر از سه یا چهار قرن دارای رفاه و تمدنی نوین می‌باشند.

به هرروی، گذشته چراغ راه آینده است و گذشته‌ی درخشان بی‌گمان چراغ پرفروز و روشن‌تری برای گذر از حال و قدم نهادن در آینده است. حال بر ما است که این دوگانگی و افراط و تفریط نسبت به تاریخ و عقاید مذهبی را کنار نهاده؛ جامعه‌ای روادار، عقاید مختلف را به رسمیت شناخته و با تلاشی همراه با آگاهی و بدون هرگونه تعصب کورکورانه بهبود جامعه را از خود و ساختن آینده را از حال شروع نماییم.

«پر و بال شکستگانیم همه، اما باز هم، شوق پرواز داریم! گذشته و تاریخی، هرچند درخشان، اما حال نداریم، آینده هم که مگو جز خیالی خوش، دگر هیچ نداریم».

اساساً اینکه یک ملت، تاریخی غنی، پر بار و درخشان داشته باشد نه تنها خوب، بلکه بسیار عالی است؛ اما اینکه یک‌عده از بام تا شام نشسته و مدام به گذشته‌ی با عظمت آن افتخار و مباهات کنند و از امروز غافل گردند یا برعکس، عده‌ای تندرو برخلاف این جمعیت، پیوسته و مدام به گذشته‌ی میهن خویش بتازند و حتی گاه آن را انکار کرده و اساساً این تاریخ را جعلی بخوانند؛ نتیجه‌اش وضع اسفبار امروز جامعه‌ی ما خواهد بود که نه در صدد احیای بخش‌های درخشان گذشته‌ی تاریخی خویش است و نه کوششی در پذیرش واقعیت عقیدتی طیف گسترده‌ای از جمعیت مذهبی حال حاضر را دارد! این تضارب و برخورد دو دیدگاه متضاد راجع به تاریخ باشکوه میهن و تاریخ مذهبی، باعث بروز دوگانگی‌های بسیاری در روابط و مناسبات جامعه‌ی امروز و روابط خانوادگی گردیده است. به گونه‌ای که اغلب، نسل جوان خود را در دو راهی انتخاب دین یا میهن فرض نموده و گمان می‌کنند به ناچار بایستی یکی از این دو مسیر را انتخاب نماید و با گام نهادن در هر یک از این دو مسیر تصور می‌کنند درجه‌ی مقابل و انکار مسیر دیگر قرار گرفته‌اند. درحالی که اساساً هیچ‌گاه در تاریخ و در هیچ نقطه‌ای از جهان، این دو مقوله تضادی با یکدیگر نداشته‌اند و در بسیاری از کشورهای پیشرفته‌ی جهان مردم اغلب دینی با منشاء غیربومی دارند و در عین حال دارای تمایلات شدید میهن پرستی نیز می‌باشند. همان طور که در تاریخ میهن‌مان نیز اشخاص بسیار ارزشمندی را می‌تواند برشمرد که در عین ایران پرستی دارای عقاید عمیق مذهبی نیز بوده‌اند یا فراوان اشخاصی که با وجود تربیت و شخصیت شدید مذهبی دارای عرق میهن پرستی بسیاری نیز بوده‌اند!

هگل در کتاب فلسفه تاریخ، به صراحت ایران و ایرانیان را اولین امپراطوری بزرگ و شناخته شده‌ی تاریخ جهان می‌شناسد که دارای تأثیر مستقیم در جهان پیرامون خویش بوده‌اند و اصولاً معنای ملت به بیان واقعی از ایران آغاز گردیده است و این امر، برای ما ایرانیان کم افتخاری نیست که دارای پیشینه‌ای چنین درخشان می‌باشیم. این موضوع

مصاحبه با رئیس کل دادگستری استان فارس حجت الاسلام سید صدراله رجایی نسب



یکی از مهم‌ترین تحولات اخیر در دستگاه قضایی که در نتیجه‌ی تدوین و اجرای سند تحول و تعالی قوه‌ی قضاییه انجام شده است اجرای قانون جدید شوراهای حل اختلاف و تشکیل دادگاه‌های صلح است که در قانون جدید، صلاحیت‌های آن پیش‌بینی شده است.

یکی از اهداف مهم این تغییر علاوه بر بازگرداندن شوراهای حل اختلاف به ماهیت اصلی خود یعنی رفع خصومت و حل اختلاف میان طرفین پرونده، سرعت بخشی به روند رسیدگی‌ها بوده است. در همین راستا دادگستری کل استان فارس از مرداد ماه سال گذشته فرایند اجرای این قانون را به شکل برنامه‌ریزی شده‌ای در دستور کار قرارداد و زمینه تشکیل دادگاه‌های صلح و تغییر رویکرد شوراهای حل اختلاف را آغاز کرد به نحوی که در مرحله‌ی اول اجرایی‌شدن قانون جدید شورای حل اختلاف و ایجاد دادگاه‌های صلح، افتتاح شعب و ارجاع پرونده در ۲۳ حوزه دادگاه بخش و شهرستان فاقد دادرسی در استان انجام شد و در ادامه پس از تکمیل زیرساخت‌ها ۲۹ حوزه‌ی قضایی دیگر استان نیز دادگاه‌های صلح را تشکیل و روند رسیدگی در این محاکم به صورت رسمی آغاز گردید و در نهایت در مرکز استان نیز از آذر ماه سال گذشته ۳۷ شعبه در قالب ۴ مجتمع قضایی شروع به کار کردند.

در این گفتار تلاش کرده ایم با حجت الاسلام و المسلمین سید صدراله رجایی نسب رئیس کل دادگستری استان فارس پس از قریب به یک سال رویکرد اجرای قانون شوراهای حل اختلاف و تشکیل دادگاه‌های صلح را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

دادگاه‌های صلح و شوراهای حل اختلاف که در قانون جدید در کنار یکدیگر به عنوان مکمل فرایند رسیدگی شناخته می‌شوند

حجم زیادی از پرونده‌ها را از دوش سایر مراجع قضایی برداشته و باعث افزایش کارایی نظام قضایی و سرعت بخشی به تعیین تکلیف پرونده‌ها می‌شوند.

وی روند رسیدگی در این دادگاه‌ها را سریع‌تر، با تشریفات کمتر و کم‌هزینه‌تر خواند و خاطر نشان کرد: این دادگاه‌ها اغلب با اولویت قرار دادن رویکرد مصالحه طرفین پرونده برای توافق و سازش به شعب شورای حل اختلاف که در معیت این دادگاه‌ها فعال هستند هدایت می‌شوند که در صورت توافق و اصلاح بین طرفین، پرونده مختومه و در صورت عدم توافق اقدام به صدور رأی می‌کند. این امر

در آغاز از رئیس کل دادگستری استان فارس از مزایای تشکیل دادگاه‌های صلح سوال کردیم. حجت الاسلام والمسلمین سید صدراله رجایی نسب در پاسخ به این سوال بیان کرد: دادگاه‌های صلح و شوراهای حل اختلاف که در قانون جدید و به عنوان مکمل یکدیگر در فرایند رسیدگی شناخته می‌شوند به عنوان یکی از ابزارهای حل و فصل اختلافات به شیوه‌ای ساده‌تر، سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر دارای مزایای متعددی هستند.

نماینده عالی قوه‌ی قضاییه در استان فارس در ادامه افزود: دادگاه‌های صلح با رسیدگی به دعاوی کوچک،

علاوه بر اینکه حجت بر مرجع قضایی به منظور تلاش
برای مصالحه اختلافات تمام می شود؛ در صورت محقق شدن سازش و رفع خصومت زمینه تقویت روابط اجتماعی را فراهم می کند.

نقش جدید شوراهای حل اختلاف دادگاه های صلح یکی از شاخص های موفقیت در اجرای سند تحول قضایی است

وی تغییر رویکرد اجرایی شوراهای حل اختلاف و به کارگیری این ظرفیت در کنار دادگاه صلح را یکی از شاخص های موفقیت در اجرای سند تحول قضایی ارزیابی و خاطر نشان کرد: تکریم مراجعان با در نظر گرفتن حقوق آنان در فرایند دادرسی و مدنظر قرار دادن سرعت عمل لازم در احقاق حق، محقق می شود. این اصل به ویژه در عملکرد دادگاه های صلح، که به منظور رسیدگی فوری و کم هزینه به اختلافات طراحی شده اند، مد نظر قرار گرفته است. حجت الاسلام و المسلمین رجایی نسب تصریح کرد یکی دیگر از مهمترین اهداف اجرای این قانون حفظ جایگاه شوراهای حل اختلاف و تداوم نقش آن ها در توسعه ی فرهنگ صلح و سازش و اصلاح ذات البین است چرا که اگر «صلح و سازش پیش از ورود پرونده به محکمه در دستور کار قرار گیرد» و با «دیدگاهی وسیع تر و خلاقانه تر» نسبت به اصلاح ذات البین اقدام شود بی تردید تأثیر بهتری در نتیجه و حل اختلاف میان طرفین خواهد داشت. وی تأکید کرد که همه ی جامعه ی حقوقی باید با همکاری و اهتمام متقابل و رفع ایرادات احتمالی این فرایند جدید تقویت کنند و به تعبیر دیگر «نباید اجازه دهیم جایگاه شوراهای حل اختلاف متزلزل شود و صلح و سازش به حاشیه برود».



تأکید کرده ایم در محاکم صلح و شوراهای حل اختلاف همکاری محور ارائه ی خدمت قرار گیرند که بتوانند اهداف مصرح در قانون را اجرایی کنند.

این اصل به ویژه در عملکرد دادگاه های صلح، که به منظور حل فوری و کم هزینه اختلافات و یا صدور رای طراحی شده اند، مدنظر قرار گرفته است بنابراین برای محقق شدن این سیاست تأکید کرده ایم در محاکم صلح و شوراهای حل اختلاف همکاری محور ارائه ی خدمت قرار گیرند که بتوانند این اهداف را اجرایی کنند.

رئیس کل دادگستری استان فارس در پاسخ به سوال دیگری در خصوص تأثیر تشکیل دادگاه های صلح در سرعت فرایندهای قضایی و همچنین تکریم ارباب رجوع پاسخ داد: یکی از شاخص های موفقیت در اجرای سند تحول قضایی «تکریم مراجعان با در نظر گرفتن حقوق آنان در فرایند دادرسی و مدنظر قرار دادن سرعت عمل لازم در احقاق حق» است.

معتقدم وکلا می توانند با چند اقدام استراتژیک، تحقق اهداف این قانون را به بهترین شکل ممکن فراهم کنند

رئیس کل دادگستری استان فارس در پاسخ به این سوال که نقش وکلا در اجرای بهتر این قانون چیست؟ بیان داشت: معتقدم وکلا می توانند با چند اقدام، تحقق اهداف این قانون را به بهترین شکل ممکن فراهم کنند.

حجت الاسلام و المسلمین رجایی نسب گفت: وکلا می‌توانند پس از ارزیابی واحراز صلاحیت‌های قانونی لازم با عضویت در شوراهای متضمن اجرای بهتر قانون و فعال‌تر شدن شوراهای شوند.

وی در ادامه تصریح کرد: وکلا با حضور به عنوان عضو در شوراهای حل اختلاف، از طریق ارائه‌ی مشاوره‌های تخصصی، تضمین می‌کنند تصمیمات اتخاذ شده منطبق بر قانون و عادلانه باشد. به فرض مثال وکیل می‌تواند در اختلافات ملکی با ارزش مالی پایین، با تفسیر صحیح قوانین، از تبدیل شدن موضوع به پرونده‌ای پیچیده در دادگاه جلوگیری کند.

این مقام ارشد قضایی همچنین به نقش وکلا به عنوان یک میانجی‌گر حرفه‌ای اشاره کرد و افزود: مهارت مذاکره وکلا، امکان دستیابی به توافق‌های پایدار را افزایش می‌دهد. این امر یکی از ظرفیت‌هایی است که در دعاوی خانوادگی (مثل مهریه یا حضانت) که نیازمند حفظ روابط عاطفی است، می‌تواند مؤثر و کارگشا باشد.

رئیس شورای قضای استان فارس به نقش غیرمستقیم وکلا در هدایت جامعه اشاره کرده و خاطر نشان کرد: وکلا می‌توانند با تبیین مزیای مراجعه به شوراهای حل اختلاف (سرعت، هزینه پایین، حفظ آبرو و اعتبار اجتماعی)، شهروندان را به استفاده از این نهادها ترغیب کنند.

وی نتیجه‌ی این اقدامات را کاهش بار سیستم قضایی خواند و تأکید کرد: با هدایت پرونده‌های کوچک به سمت شوراهای، از تراکم دادگاه‌ها کاسته می‌شود و همین امر سبب خواهد شد پرونده‌های مهم‌تر و دعاوی پیچیده قضایی با دقت و سرعت بهتر رسیدگی شود و در نتیجه شاهد اتقان بیشتر آراء قضایی باشیم.

نماینده عالی قوه قضائیه در استان فارس نقش علمی وکلا را در شوراهای حل اختلاف حائز اهمیت دانست و افزود: وکلا با ثبت نقدهای سازنده درباره روند رسیدگی شوراهای (مثلاً نقص در استماع دفاعیات)، می‌توانند به اصلاح رویه‌ها کمک کنند.

وی تصریح کرد: موارد یاد شده یا ده‌ها پیشنهاد دیگر در نتیجه هم‌افزایی می‌تواند روند اجرای بهتر و باکیفیت‌تر و تأثیرگذارتر قانون و حصول منافع ناشی از اجرای رویه‌های جدید در جامعه را بهبود ببخشد.

وکلا نه تنها تسهیل‌گر اجرای قانون، بلکه نگهبانان عدالت هستند.

وی به عنوان سخن پایانی خود در این گفتگو بر نقش کلیدی وکلا در تسهیل‌گری بهتر اجرای قانون جدید شوراهای حل اختلاف و دادگاه‌های صلح تأکید و خاطر نشان کرد: وکلا نه تنها تسهیل‌گر اجرای قانون در بطن جامعه هستند بلکه با نگاهی کلان‌نگر و بهره‌گیری از دانش و تجربه می‌توانند حامیان عدالت باشند.

رئیس کل دادگستری استان فارس توصیه کرد: وکلا، بخصوص وکلای جوان باید دانش خود را در خدمت جامعه قرار دهند و تلاش کنند شوراهای حل اختلاف را در اجرای قانون یاری نمایند.

وی تصویب این قانون را در نتیجه‌ی هم‌اندیشی بخش اعظمی از کارشناسان و صاحب نظران علم حقوق خواند و افزود: این نهاد با کمک همه‌ی جامعه حقوقی می‌تواند انقلابی در دسترسی مردم به عدالت ایجاد کند.





چرایی ناکارآمدی حقوق در موارد مهم

دکتر کورش استوار سنگری

این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که «آیا در همه‌ی مواردی که حقی تضییع می‌شود و یا تجاوزی به حقوق اشخاص صورت می‌گیرد وجود یک قاعده‌ی حقوقی و استناد به آن می‌تواند موجب احقاق حق زیان‌دیده و یا رفع تجاوز گردد؟» نویسنده معتقد است صرف وجود یک قاعده‌ی حقوقی ناظر بر حفظ حقوق اشخاص موجب احقاق حقوق آن‌ها نمی‌گردد و کارآمدی قواعد حقوقی نیاز به مسائل بنیادی‌تری دارد که در این‌جا مورد بحث قرار می‌گیرد.

وکلاهی دادگستری، پیوسته با پرونده‌هایی سروکار دارند که برای مثال: مردی نفقه‌ی همسر خود را پرداخت نکرده‌است و یا درموردی اقدام به ضرب و جرح‌وی نموده‌است و با یک پیگیری متعارف نهایتاً مرجع قضایی رأی به محکومیت متخلف داده‌است و حکم نیز هم درخصوص نفقه و هم درخصوص مجازات ضرب و جرح اجرا شده‌است و حقوق بزه‌دیده در حدود قوانین، تامین شده‌است.

پرده‌ی اول

پرده‌ی دوم

زمین کانون وکلای دادگستری استان فارس و کهگیلویه و بویر احمد در شهر صدام توسط یک شخص صاحب نفوذ در استان فارس و حومه، به صورت عدوانی تصرف شده‌بوده‌است و کلاً با طرح دعوی، هرچند حکمی علیه متصرف اخذ کرده‌است اما تا کنون نتوانسته‌است این حکم را اجرا کند و زمین مدنظر هنوز در تصرف شخص مذکور است. کانون وکلا به ناچار دادخواست مطالبه‌ی اجرت‌المثل را مطرح کرده‌است تا بدین‌سان بتواند بخشی از حقوق خود را متصرف عدوانی اخذ نماید.

پرده‌ی سوم

نخست وزیر فعلی اسرائیل متهم به ارتکاب جنایات جنگی است و دادگاه کیفری بین‌المللی نیز چند سال است قرار بازداشت وی را صادر کرده‌است اما این قرار هنوز اجرا نشده‌است و این شخص به کشورهای مختلفی نیز سفر کرده‌است و اساساً هیچ‌گونه دغدغه‌ای درخصوص بازداشت خود ندارد.

پرده‌ی چهارم

در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ ارتش اسرائیل به ایران حمله کرد؛ علاوه بر تجاوز به تمامیت ارضی ایران، طبق آمار رسمی حداقل ۹۶۵ نفر از هم‌وطنان قربانی (شهید) این تجاوز شده‌اند. درمیان قربانیان این تجاوز افراد غیر نظامی وجود دارند که هیچ معلوم نیست با نظام سیاسی ایران همدلی داشته باشند ولی در هر حال قربانی این تجاوز شده‌اند و مراجع بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل و یا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حتی به صورت صوری و صدور یک بیانیه، آن‌را محکوم نکرده‌اند. که البته در داخل ایران اساتید دانشکده‌های حقوق طی بیانیه‌ای به درستی این تجاوز را خلاف موازین بین‌المللی اعلام کرده‌اند و درخواست اقدام نهادهای بین‌المللی در محکومیت آن و احقاق حقوق ایران کرده‌اند.

نکته‌ی مهم در این مقاله آن است که چرا در پرده‌ی اول قواعد حقوقی ناظر بر موضوع، اجرا شده و یا می‌شود و حقوق زیان‌دیده یا بزه‌دیده دارای ضمانت اجرای عملی است و در همین راستا حقوق وی تا حدی قابل قبول محفوظ مانده‌است ولی در پرده‌های دوم تا چهارم هر چند قواعد حقوقی ناظر بر موضوع وجود دارد و حق با مدعی تجاوز به



نیروهای مسلح و سلاح به طور کلی، یکی از طرق اعمال قدرت است. اساساً در جامعه‌ی سازمان یافته، قدرت کمتر به صورت عریان جهت اجرای قوانین بر افراد جامعه تحمیل می‌شود و استفاده از این نوع زور بایستی در حداقل موارد و در حد ضرورت صورت گیرد و در حقیقت قدرت الزام به رعایت قانون از طرق اقلی و استفاده از قدرت غیرملموس انجام می‌گیرد.

اقتدار و حاکمیت از آن مردم است که آن را به نمایندگان خود یعنی نهادهای حاکمیتی واگذار می‌کنند. اعمال حاکمیت مردم و نهادهای دولتی از طریق قانون انجام می‌شود که مفهوم حقوقی حاکمیت قانون را محقق می‌سازد اما اینکه چگونه نهاد حاکمیتی، که نماینده‌ی مردم است به حاکمیت قانون تن می‌دهد بستگی به میزان قدرت اجتماعی مردم هر جامعه دارد. قدرت اجتماعی مردم یک جامعه از طرق مختلف اعم از نهادهای مدنی مستقل، احزاب، مطبوعات مستقل، تظاهرات، راهپیمایی و... که متجلی افکار عمومی است دولت را به رعایت قانون و گام برداشتن در مسیر حاکمیت قانون وادار می‌کند. به بیان دیگر محدودیت کشور و یک جامعه حاکمیت قانون

حقوق خود است اما در عمل این قواعد ناکارآمد است و حقوق شخصی که مورد تعرض غیرقانونی طرف مقابل قرار گرفته است بی پناه مانده و قواعد حقوقی موجود اثر عملی نداشته‌اند. موضوع پرده‌ی دوم با موارد سه و چهار از نظر شدت عمل و قبح و زشتی کار و افراد مورد حکم با یکدیگر قابل قیاس نیستند و در این مقاله قصد همانندسازی میان اشخاص وجود ندارد اما هر سه مورد یک امر مشترک هستند در این موضوع که قواعد حقوقی ناظر بر حقوق اشخاص در عمل اجرا نمی‌شود و قواعد حقوقی به صورت سیاهه‌ای بر کاغذ مانده‌است و صرفاً در کتاب‌ها وجود دارند ولی اثر عملی برای زیان دیده ندارد و حتی آراء مراجع قضایی در این خصوص بلااثر و فاقد ضمانت اجرا مانده‌است. محور و موضوع مقاله این است که دلیل ناکارآمدی قواعد حقوقی در این موارد چیست؟ در خصوص موضوعاتی مانند جنایات اسرائیل در غزه و زن و کودک کشی‌های وحشتناکی که موجب شرمساری بشر امروز است و یا تجاوز به قلمرو ایران، قواعد حقوقی واضح و شفافی وجود دارد و همه‌ی این اعمال تجاوز و جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد ولی چرا قواعد حقوقی در این موارد مهم ناکارآمد است و راه حل و استدلال حقوقی راه بجایی نبرده‌است و موجب خاتمه و عدم تکرار این گونه جنایات نشده‌است؟

به نظر نویسنده پاسخ آن بسیار ساده است. در ترم اول ورود به رشته‌ی حقوق، دانشجو باید درس مقدمه‌ی علم حقوق را بگذراند که در این درس از اوصاف یک قاعده‌ی حقوقی صحبت می‌شود. یکی از اوصاف قاعده‌ی حقوقی این است که رعایت قاعده‌ی حقوقی از سوی دولت تضمین شده‌است.

اینکه رعایت قاعده‌ی حقوقی از سوی دولت تضمین شده‌است به منزله‌ی این نیست که دولت به اشخاص ضمانت می‌دهد که قوانین یا هر قانون را اجرا و رعایت کند؛ بلکه ویژگی هر قاعده‌ی حقوقی این است که دولت، به مفهوم نهاد حاکمیت و حاکمیت نیز به عنوان قدرت برتر در جامعه پشتیبانی اجرای قانون است و در مواردی که افراد قدرتمند قوانین را اجرا نمی‌کنند، حاکمیت به عنوان نهاد قدرت برتر یک جامعه وی را وادار به اجرای قواعد حقوقی می‌سازد. لذا قاعده‌ی حقوقی بدون پشتیبانی قدرت قانونی، ظهور عینی و اجرایی در جامعه پیدا نخواهد کرد و صرفاً به صورت یک متن حقوقی روی کاغذ وجود دارند. حاکمیت به عنوان قدرت تبلور یافته‌ی جامعه در نهاد دولت ظهور پیدا می‌کند؛ اراده‌ی خود را بر قانون شکنان تحمیل کرده و آنان را وادار به اجرای قوانین می‌کند.

لازم به ذکر است که قدرت در این جا نیز به منزله‌ی زور خام و صرف نیست بلکه ابزارهایی مانند استفاده از

می‌تواند توسط نهادهای خود، اجرای قانون را تضمین کند؛ در دعاوی به راحتی به شکایت افراد رسیدگی نماید و در جهت احقاق حق شاکی و زیان‌دیده رأی صادر و حکم را اجرا کند.

در پرده‌ی دوم، در ضعف حاکمیت قانون و حاکمیت نهادهای دولتی، اشخاص ذی نفوذ می‌توانند نهادهای و مقامات را تحت تأثیر خود قرار دهند و آراء مراجع قضایی نسبت به آن‌ها اجرا نشود؛ لذا حاکمیت قانون ابتر خواهد بود.

در پرده‌های سوم و چهارم، مشکل از عدم وجود توازن قدرت در عرصه‌ی بین‌المللی و فقدان حاکمیت جهانی به‌عنوان نهاد قدرت برتر در عرصه‌ی جهانی است که در صورت نقض قواعد حقوقی در عرصه‌ی بین‌الملل، این نهاد بتواند قدرت برتر خود را بر قانون شکنان تحمیل کند و با اعمال قدرت اعم از فیزیکی و یا غیراز آن، کشور و مقام متخلف را به اجرای قانون تمکین کند. به‌همین لحاظ هنجارهای بین‌المللی در عمل، در مواردی اجرا می‌شود که یک کشور و یا مجموعه‌ای از کشورهای قدرتمند و صاحب نفوذ پشتیبان اجرای یک هنجار بین‌المللی بوده‌اند. نهادهایی مانند سازمان ملل متحد نیز قدرت اجرایی خود را از پشتوانه‌ی کشورهای جهان می‌گیرند و خود فی‌نفسه امکاناتی مانند بودجه، نیروی مسلح و هرنهاد اعمال قدرت دیگر جهت وادار کردن کشورهای یاغی را ندارند.

بنابراین در عرصه‌ی بین‌الملل نهاد حاکمیت برتر به نحوی که بتواند کشورها را به‌صورت قطعی وادار به رعایت قواعد حقوق بین‌الملل کند وجود ندارد. به‌ویژه زمانی که کشور مخاطب از جنبه‌هایی دارای قدرت باشد که خطاهای قدرت با بیانیه و اعلامیه کنترل نمی‌شود. علاوه‌براین، توازن قدرت کشورها نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از تعرض یک کشور به دیگری دارد.

هر کشوری که تصور کند در این تعارض دست برتر را دارد در تجاوز به کشور رقیب پیش‌دستی می‌کند لذا در عرصه‌ی بین‌الملل حاکمیت قانون به مفهوم وسیع آن بسیار سخت‌تر و دیرتر محقق می‌شود و کشورها باید یا به قدرت خود (اعم از قدرت نظامی، مالی و سایر پشتوانه‌های بین‌المللی) تکیه کنند و براساس این معادلات به تخاصم و یا عدم تخاصم با کشورهای دیگر بپردازد. لذا استناد و تکیه‌ی صرف بر قواعد حقوقی نمی‌تواند منافع ملی را تامین کند و قواعد حقوقی در این موارد ناکارآمد است. ضمن اینکه موضوع مذکور تفصیل و تحلیل بیشتری می‌طلبد که اکنون در این مقال نمی‌گنجد.



بستگی به توازن قدرت جامعه و دولت حاکم دارد. اگر جامعه بتواند به طرق مختلف قدرت خود را به حکومت تحمیل کند و او را از عمل غیرقانونی و فراقانونی باز دارد؛ در این صورت حاکمیت قانون نیز محقق می‌شود. در جامعه‌ی ضعیف یعنی جامعه‌ای که نتواند قدرت خود را ساماندهی کند و نهادهای دولتی را وادار به رعایت حاکمیت قانون کند؛ قانون ابزار دست نهادهای حاکمیتی و هرنهاد و شخص دیگری که بتواند بر حاکمیت موثر باشد خواهد بود. در فقدان قدرت اجتماعی جامعه، قدرت‌های شخصی باندهای قدرت مانع از اجرای قوانینی می‌شوند که در جهت حفظ حقوق مردم وجود دارد. لذا عدم اجرای قانون در داخل، حاکی از ضعف حاکمیت قانون، حاکمیت نهادهای دولتی و ضعف جامعه است و این امر اساساً در صورتی به شکل صحیح محقق می‌شود که میان قدرت جامعه و قدرت حاکمیت توازنی وجود داشته باشد. موضوعات مطروحه در پرده‌ی اول ناظر بر دعاوی اشخاص عادی با یکدیگر است که چون میان آن‌ها توازن نسبی قدرت وجود دارد و قدرت آن‌ها در مقابل قدرت حاکمیت ناچیز و غیرموثر است؛ حاکمیت به‌عنوان قدرت برتر

چالش‌های موجود در حوزه‌ی وکالت دادگستری

✦ دکتر حسن اژدری ✦
وکیل پایه یک دادگستری

ما نگوئیم بد و میل به ناحق نکنیم
جامه‌ی کس سیه و دلخ خود ازرق نکنیم

■ مقدمه

به‌طور کلی، از دیرباز جامعه‌ی وکالت دادگستری دچار چالش‌هایی چه از درون و چه از بیرون بوده‌است ولی این چالش‌ها بیشتر از سوی قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه بوده‌است که برخی از این موارد را در ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم:

از سوی قوه‌ی مقننه در سال ۱۳۷۶ به‌وسیله‌ی تصویب بند ب ماده‌ی ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری که موضوع آن تایید صلاحیت کاندیداتورهای اعضای هیئت مدیره‌ی کانون‌ها از ارگان‌های امنیتی و انتظامی است. هم‌چنین تصویب قانون دادگاه‌های عام در سال ۱۳۷۹ که البته پس از آن در سال ۱۳۸۱ با ایجاد دادر، قانون دادگاه‌های عام لغو گردیده‌است نیز از جمله‌ی این موارد است. از سوی قوه‌ی قضائیه نیز در سال ۱۳۸۸ آیین‌نامه‌ی اصلاحی لایحه‌ی استقلال کانون وکلای دادگستری تصویب شده‌است که با تلاش‌های وکلای دادگستری آیین‌نامه مذکور متروک، منسوخ و لغو گردیده‌است. علاوه‌بر آن، در سال ۱۳۸۸ رأی هیات عمومی دیوان عالی کشور (که حکم قانون را دارد) آیین‌نامه‌ی الزامی شدن وکالت دادگستری لغو و الزامی شدن وکالت منتفی گردید و سپس در سال ۱۳۹۲ با تصویب ذیل ماده‌ی ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، چنان مقرر شد که نسبت به وکالت پرونده‌های جرایم

امنیتی که صرفاً وکلای مورد تایید قوه قضاییه حق وکالت دارند و لاغیر. در سال ۱۴۰۰ تصویب آیین‌نامه‌ی اصلاحی لایحه‌ی استقلال کانون‌های وکلای دادگستری را مشاهده می‌کنیم که با انجام اصلاحاتی، قابل اجرا می‌باشد. همچنین در این سال، تصویب آیین‌نامه‌ی نظارت کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی بر هیئت مدیره‌های کانون‌های وکلا نیز مطرح شده‌است که به معنای نظارت یک نهاد دولتی بر یک نهاد مدنی و خصوصی است! پس از این موارد نیز در سال ۱۴۰۱ تصویب قانون تسهیل وکالت را مشاهده می‌کنیم که با هدف تسهیل اخذ پروانه‌ی وکالت و افزایش دسترسی مردم به خدمات حقوقی، که به داوطلبان امکان دهد با کسب ۷۰ درصد میانگین نمرات یک درصد برتر در آزمون، پروانه‌ی وکالت دریافت نمایند.

■ تحلیل و بررسی

مبادرت به صدور رأی می‌نمود و اساساً با این وضعیت حق دفاع از شخص وکیل سلب و ساقط شده‌بوده‌است؛ که در سال ۱۳۸۱ با تلاش و مبارزات وکلای دادگستری سراسر ایران دادگاه‌های عام منحل و دادسراها جایگزین دادگاه‌های عام شدند.

با اجرای آیین‌نامه‌ی اصلاحی لایحه‌ی استقلال کانون‌های وکلا در سال ۱۳۸۸، موج عظیمی از اعتراض، انتقاد، نشست و مذاکره با رئیس محترم قوه قضاییه، سرانجام آیین‌نامه برای شش ماه، سپس یک سال، دو سال و به تدریج اجرای آن به طور کامل متوقف و نص آیین‌نامه منسوخ، متروک و ملغی‌الاثرب گردید. ضمن اینکه درسوی دیگر با اقدام به لغو آیین‌نامه‌ی الزامی شدن وکالت دادگستری ضربه‌ی محکمی به شغل و استقلال جوانان کارآموز وکالت و وکلای دادگستری وارد شد که مبارزات وکلا برای ابقاء آیین‌نامه ثمربخش نبود. چراکه با رأی هیات عمومی دیوان عالی کشور این آیین‌نامه لغو گردید؛ هرچند هنوز برای الزامی شدن وکالت دادگستری تلاش می‌شود که نتیجه‌ی مطلوبی را در آینده در این زمینه ایجاد سازد.

اجرای تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۴۸ قانون

با اجرای بند ب ماده‌ی ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه‌ی وکالت دادگستری مصوب سال ۱۳۷۶ تایید صلاحیت کاندیداتوره‌ای هیات مدیره کانون‌ها از سوی ارگان‌های امنیتی و انتظامی منجر به آن گردید که وکلای حرفه‌ای، پیش‌کسوت و باتجربه که دارای درجات علمی و صنفی و شغلی در امور کانون بوده‌اند و می‌توانستند تجربه‌ی خود را در مدیریت کانون جهت خدمت به وکلا و جامعه وکالت در طبق اخلاص گذارند؛ محروم از خدمت در تصدی و خدمت در ارکان کانون هیئت مدیره شدند که این امر ضربه‌ی مهلکی را بر جامعه‌ی وکالت وارد می‌کند. از سوی دیگر، با اجرای قانون دادگاه‌های عام در سال ۱۳۷۹ در واقع یک قاضی، به شکل توأمان، دادیار، بازپرس، دادستان، رئیس دادگاه و قادر به انشاء و صدور رأی بود. به عبارتی همین قاضی قرار مجرمیت و کیفرخواست را صادر می‌کرد و سپس





است که اساساً کیفیت فدای کمیت گردیده‌است و تعداد زیادی کارآموز جذب وکالت شده‌اند که امکانات سرویس دهی جهت ارتقاء سطح علمی و فنی در اجرای بنده ماده‌ی ۶ لایحه استقلال کانون‌های وکلا برای آنان فراهم و مقدور نیست و دادگستری نیز اعلام می‌نماید که چنین امکاناتی درحوزه‌ی اختیارات رؤسای دادگستری استان‌ها نمی‌باشد که بتوانیم ارتقاء سطح علمی، حقوقی و فنی کارآموزان را فراهم کنیم! درحالی‌که درگذشته با ظرفیت محدود سبب جذب نخبگان و دانشمندان کارآموز وکالت بودیم؛ با تصویب قانون تسهیل صرفاً نخبگان و اندیشمندان وارد نمی‌شوند بلکه عده‌ای وارد جامعه وکالت شده‌اند که متأسفانه فاقد معلومات کافی در ادبیات و نگارش گزارش حقوقی بوده و لغات و اصطلاحات حقوقی را اشتباه به تحریر درمی‌آورند! علاوه‌براین، درحالی‌که واضعان قانون تسهیل، اشتغال جوانان را به حرفه‌ی وکالت از اهداف خود می‌دانستند؛ عدم پیش‌بینی نصاب سنی در قانون موجب شد افراد میان سال نیز به همراه جوانان، فرصت شرکت درآزمون ورودی به حرفه‌ی وکالت را بیابند! همان‌طور که آمار نشان می‌دهد میانگین سنی پذیرفته شدگان آزمون ورودی سال ۱۴۰۰ در کانون وکلای فارس ۳۵ سال و در آزمون سال ۱۴۰۲، ۳۴ سال بوده‌است. بنابراین می‌توان عنوان داشت هدف اصلی از این قانون محقق نشده‌است!

آیین دادرسی کیفری نسبت به وکالت پرونده‌های جرایم امنیتی که صرفاً وکلای مورد تایید قوه قضاییه حق وکالت دارند و لا غیر نیز ضربه‌ی مهلکی را به جامعه‌ی وکالت وارد و منجر به انشقاق گشت! چراکه افرادی که همه از کانون‌های وکلا مطابق قانون، پروانه‌ی وکالت اخذ کرده‌اند چرا دچار تبعیض شده و در چنین پرونده‌هایی عده‌ای حق وکالت داشته باشند و عده‌ای محروم از وکالت باشند؛ که با مبارزات و تلاش‌های وکلای دادگستری در این امر، موضوع مذکور تا حدودی مرتفع گردید و این تبعیض و نابرابری منتفی گردید. تصویب آیین‌نامه‌ی اصلاحی لایحه‌ی استقلال کانون‌های وکلا مصوب سال ۱۴۰۰ نیز از جهتی دیگر ضربه‌ای به جامعه‌ی وکالت وارد ساخت که تلاش و مبارزات وکلا در تمام ابعاد انتقاد و نشست‌های حقوقی مذاکره با نمایندگان مجلس شورای اسلامی و قوه‌ی قضاییه منتهی به اصلاحاتی شد که به‌طور کلی برای جامعه وکالت قابل قبول نبود چرا که مطابق با ماده‌ی ۱۵۸ آیین‌نامه، وکلایی که کاندید هیئت مدیره می‌شوند اگر از سوی ارگان‌های امنیتی و انتظامی رد صلاحیت شوند؛ در آن دوره نمی‌توانند مسئولیت یا تصدی کمیسیون‌ها را داشته باشند که عملاً توهین و اهانت به وکلای پیشکسوت و حرفه‌ای بود که حق ورود به خانه مدنی خود و حتی اجازه خدمت در کانون خود را نداشته باشند و حتی بعضاً برای مدتی از خدمت در خانه مدنی خود محروم می‌شوند!

هم‌چنین باید گفت نظارت کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی بر تشکیلات هیئت مدیره کانون‌ها که خلاف نص صریح قانون اساسی است. زیرا یک ارگان دولتی حق قانونی نظارت بر دستگاه‌های اجرایی دولتی را دارد در صورتی که کانون‌های وکلا یک نهاد مدنی و غیردولتی می‌باشند و مجلس چنین حقی را به لحاظ قانونی ندارد. که البته پس از مدتی این امر هم متروک و منسوخ گردید. در خصوص اجرایی شدن قانون تسهیل وکالت دادگستری نیز، این موضوع بدین جهت مورد انتقاد

نتیجه‌گیری

چالش‌های جامعه‌ی وکالت که در موضوع مقاله آمده‌است؛ همیشه وجود داشته و خواهد داشت. زیرا افرادی اقدام به تصویب چنین قوانینی می‌نمایند که وکیل نیستند؛ حقوقدان هم نیستند و حتی تجربه‌ای برای وکالت دادگستری ندارند و در عین حال از مشکلات و چالش‌های وکالت اطلاع و آگاهی نداشته‌اند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که قوانین وکالتی را مانند تمام کشورهای پیشرفته به خود وکلای پیش‌کسوت و باتجربه دارای تحصیلات علمی از دانشگاه‌های معتبر، محول کنند تا لایحه‌ی جامع وکالت توسط خود وکلا تنظیم و تدوین گردد و پس از این، وکلا با چنین چالش‌هایی روبرو نشوند که باعث زیان مادی و معنوی فراوان گردد. به امید آن روز ...

تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

من آن چه شرط بلاغ است با تو می‌گویم



رأی وحدت رویه نباید مغایر با قانون یا سالب حق دادخواهی مردم باشد

دکتر رضا وطن خواه

عضو ادوار هیات مدیره و رئیس اسبق کانون وکلای البرز

هرچند که اکثر آرای وحدت رویه‌ی هیأت عمومی دیوان عالی کشور کاملاً راه‌گشا و مستدل‌تر و متقن‌تر از قوانین کشور ما هستند ولی بعضاً آرای صادر می‌شود که مغایر با نصوص صریح قانونی یا سالب حق دادخواهی مردم است؛ از جمله این‌گونه آرا می‌توان به رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور اشاره کرد که بر اساس این رأی: «از مجموع مقررات مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس، موضوع فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به ویژه اطلاق مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸ و ۶۹ قانون مذکور چنین مستفاد می‌گردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوق‌الاشاره الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی؛ از قبیل، گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی‌باشد.» این رأی کاملاً مغایر با نص ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی است که مطابق این ماده: «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه‌ی نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه‌ی مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.»

تغییر قانون مستلزم اصلاح آن در مرجع ذی صلاح قانونگذاری (مجلس شورای اسلامی) است نه این که به جای اصلاح قانون، دست به دامن هیأت عمومی دیوان عالی کشور شویم تا رأی وحدت رویه‌ای صادر کند که کاملاً





مغایر با نص صریح قانون است. رأی وحدت رویه‌ی مزبور، تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس را خلاف قانون مقید به گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف ندانسته است، درحالی که بر اساس ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی، گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف از شروط منجز و مصرح صدور حکم جایگزین حبس است؟! است.

یکی دیگر از آرای وحدت رویه که با قانون مغایرت دارد، رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۸۳۷ مورخ ۴/۷/۱۴۰۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور است. وفق این رأی: «در مواردی که نظر اکثریت هیأت منصفه بر بی‌گناهی متهم باشد، اما دادگاه با لحاظ ادله موجود در پرونده، رفتار منتسب به وی را طبق قانون جرم و مستوجب مجازات تشخیص دهد؛ با عنایت به استقلال قاضی در صدور رأی و تکلیف وی به رعایت قانون ملزم به تبعیت از نظر هیأت منصفه نمی‌باشد و به استناد قانون، حکم به محکومیت متهم صادر می‌کند.»

هیأت عمومی دیوان عالی کشور در این رأی اعلام کرده است که دادگاه رسیدگی کننده می‌تواند خلاف نظر هیأت منصفه، حکم بر محکومیت متهم صادر کند و تکلیفی در تبعیت از نظر هیأت منصفه مبنی بر برائت متهم ندارد. در واقع با تمسک به این رأی، وجود هیأت منصفه کاملاً تشریفاتی و نمادین تلقی شده و از این حیث صدور چنین رأیی از جانب هیأت عمومی دیوان عالی کشور غیرقابل باور و تعجب برانگیز است؛ چون زمانی که قانون، رسیدگی به اتهام شخصی را مستلزم حضور هیأت منصفه دانسته است، بی تردید وجود نماینده‌ی افکار عمومی را در این قبیل رسیدگی‌ها ضروری تشخیص داده است و بی‌توجهی به نتیجه افکار عمومی قطعاً با فلسفه‌ی وجودی آن در تعارض است.

در حقیقت استنباط هیأت عمومی دیوان عالی کشور از تبصره یک الحاقی ماده ۴۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰ این است که چون قانون‌گذار در این تبصره به دادگاه اجازه داده است تا پس از اعلام نظر هیأت منصفه، طبق قانون مبادرت به اتخاذ رأی کند و اشاره‌ای به تکلیف دادگاه در تبعیت از نظر هیأت منصفه ندارد؛ بنابراین دادگاه می‌تواند در

مواردی که نظر هیأت منصفه وفق قانون نیست؛ خلاف آن رأی صادر کند. این درحالی است که با توجه به وظیفه و رسالت هیأت منصفه و با عنایت به مفهوم مخالف تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴۳ الحاقی قانون مطبوعات، در صورتی که هیأت منصفه عقیده بر بی‌گناهی متهم داشته باشد، دادگاه نمی‌تواند حکم بر مجازات متهم صادر کند و الزاماً باید از نظر هیأت منصفه در اعلام بی‌گناهی متهم تبعیت نماید.

رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۸۵۴ مورخ ۱۴۰۳/۸/۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور هم در زمره‌ی آرای است که علاوه بر مغایرت با قانون، سالب حق دادخواهی مردم بوده و اجرای آن می‌تواند واجد آثار جبران ناپذیری باشد. بر اساس این رأی: «اعاده‌ی دادرسی موضوع ماده‌ی ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، از موارد رسیدگی فوق العاده و ناظر به رأی خلاف شرع بین و جزو اختیارات رئیس قوه قضائیه است، لذا با تجویز آن و صدور حکم از شعب خاص دیوان عالی کشور، طبق ماده‌ی ۴۸۲ همین قانون، درخواست اعاده‌ی دادرسی شخص ذی نفع صرفاً در صورتی که رأی صادره به جهت دیگری غیر از جهت قبلی با مسلمات فقهی مغایرت داشته و از مصادیق ماده‌ی ۴۷۷ باشد، پذیرفته خواهد شد. بنابراین درخواست اعاده‌ی دادرسی نسبت به آراء مذکور با استناد به موارد مندرج در ماده ۴۷۴ قابل پذیرش نیست...»

با توجه به این رأی، هیأت عمومی دیوان عالی کشور، درخواست



اندر حکایت شام

سمیرا خادم
وکیل دادگستری

هشدار: آورده‌اند که این داستان
تخیلی است اما تو باور مکن!

دهه‌ی هشتاد از نیمه گذشته بود که با «وی» در اواخر دوره دبیرستان آشنا شدم؛ می‌توان «وی» را نه از رفقای «گرمابه و گلستان» که در زمهری رفقای «کافه و باغ» بنامم. (ر.ک: پ.ن ۱)، موجودی بود در نوع خود بی‌نظیر، اهل قلم بود و طنز؛ همین کافی بود برای چنگ شدن رفاتمان. (ر.ک: پ.ن ۲)، در راندن سخن هم مهارت عجیبی داشت، تا جایی که «وی» را قلم‌زن و رانده‌ی سخن می‌نامیدم. خاطرم هست در مدرسه یک مسابقه‌ی داستان یا انشاءنویسی با موضوع «از دموکراسی و دیکتاتوری چه می‌دانید؟»، برگزار شد. «وی» در این مسابقه شرکت کرد و اثرش را به دست مسئولین مدرسه رساند. عنوان اثرش «اندر حکایت

اعاده‌ی دادرسی با استناد به موارد مندرج در ماده‌ی ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری (اعاده‌ی دادرسی عام) را نسبت به آراء شعب خاص دیوان عالی کشور غیرقابل پذیرش اعلام کرده است و صرفاً می‌توان به جهت دیگری تقاضای اعمال ماده ۴۷۷ کرد. نقدهای وافر بر این رأی وحدت رویه وارد است و با توجه به دلایل ذیل الذکر، در غیرقانونی بودن و سالب حق دادخواهی بودن آن هیچ تردیدی وجود ندارد.

اعاده‌ی دادرسی کیفری در حدود مقررات قانونی، یک حق مسلم قانونی است و سلب این حق مستلزم دلیل قانونی است و این استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه‌ی مورد نقد که درخواست اعاده‌ی دادرسی موضوع ماده ۴۷۴ صرفاً در مورد احکام قطعی دادگاه‌هاست و شعبه‌ی دیوان عالی کشور، دادگاه محسوب نمی‌شود، با توجه به این که در ماده ۴۷۷ همین قانون، شعب خاص دیوان عالی کشور با وجود مغایرت با مبانی حقوقی و به علت ورود در ماهیت و صدور رأی به عنوان دادگاه قلمداد شده‌است؛ فلذا بر این اساس تمام احکام و الزامات قانونی رأی دادگاه بر رأی شعب خاص دیوان عالی هم بار می‌شود و مسلماً سلب اعاده‌ی دادرسی عام که نتیجه آن اسقاط یک نوع حق دادخواهی است، با مبانی دادرسی عادلانه در تضاد است.

همچنین این استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر این که دیوان، فاقد دادگاه هم عرض است که در صورت پذیرش اعاده‌ی دادرسی و پس از نقض حکم، پرونده جهت رسیدگی مجدد به آنجا ارجاع شود، صحیح نیست و با توجه به اینکه مقنن در ماده‌ی ۴۷۷ شعبه دیوان را دادگاه بدوی صادر کننده رأی محسوب نموده است، بنابراین شعبه دیگر دیوان، دادگاه هم‌عرض محسوب می‌شود و نباید صرفاً با استناد به لفظ هم‌عرض که قانون‌گذار در مواد ۴۷۴ و ۴۷۶ به درستی آن به کار برده است، حق اعاده‌ی دادرسی، به عنوان یکی از مصادیق قانونی حق دادخواهی از طرف دعوا سلب شود.

علاوه بر مغایرت با قانون، اجرای این رأی وحدت رویه، آثار جبران ناپذیری را هم در فرایند دادرسی در پی خواهد داشت؛ مثلاً اگر کسی به اتهام قتل فردی در راستای اعمال ماده‌ی ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری در یکی از شعبات خاص دیوان عالی کشور محکوم به قصاص شود و سپس زنده بودن مقتول محرز شود یا اگر پس از صدور حکم از شعبه دیوان، واقعه جدیدی حادث یا ظاهر شود یا ادله جدیدی ارائه شود که حاکی از بی‌گناهی محکوم باشد، با توجه به رأی وحدت رویه‌ی ابلاغی، این رأی دیگر قابلیت اعاده‌ی دادرسی عام موضوع ماده‌ی ۴۷۴ را ندارد و فقط امکان اعمال ماده‌ی ۴۷۷ را دارد که آن هم صرفاً ناظر بر موارد خلاف بین شرع است و اشتباهات بین قانونی را شامل نمی‌شود.

مخلص کلام اینکه آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور که در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است؛ اگرچه در حکم قانون است، اما باید مستند به قانون صادر شود؛ چون این آراء مشروعیت خود را از قانون اخذ می‌کنند. به عبارت دیگر، رأی وحدت رویه نباید مغایر با قانون باشد و با توجه به اینکه حق دادخواهی هم یک حق مسلم قانونی است و سلب آن مستلزم دلیل قانونی است فلذا رأی وحدت رویه نباید سالب حق دادخواهی مردم باشد.



چرایی و آورنده‌اش نیز آمار و اطلاعات چندانی در دست نیست! این را هم بگذارید پای همه آن چیزهایی که اطلاعات چندانی از شان در دست نیست. به علاوه این عبارت بی‌پایه و اساس «دلخوشی در گذشته» هم بیشتر یک سندرم مسری است که نسل به نسل و کورکورانه منتقل شده و ناشی از سخت فراموشکار بودن انسان‌ها و ناسپاسی از تغییرات و نعمت‌های جدید است که در گذشته از آن محروم بوده‌اند. بگذریم.

در خانه ما غالباً تشریفاتی‌ترین وعده غذایی ناهار بود؛ شاید برای همین است که به آن حس خوبی داشتیم اما امان از شام که بوی تردید، ابهام و ناامنی می‌داد. هرچند گاهی، حق انتخاب به ما داده می‌شد؛ به این صورت که در پاسخ به پرسش «شام چی داریم؟!» از اتاق فرمان ندا می‌آمد: «هرچی بخوای، توی یخچاله» اما در واقع غذایی از قبل پخته نشده بود و ما می‌ماندیم و یخچال. با این حال حس اجبار سابق که به حق انتخاب تبدیل می‌شد، از محتویات شام برایمان لذیذتر بود تا جایی که بال فرشته آزادی را بر دوشمان حس می‌کردیم و «دویدن» به سمت یخچال، جایگزین «رفتن» به سمتش می‌شد.

در یخچال را با شور و شغف باز می‌کردیم. به قفسه منصوب داخل در یخچال روی خوش نشان نمی‌دادیم، چون بلاشک تخم مرغ‌های متعدد و مکرر، با توجه به حجم و جمعیت خانواده، چشمک‌های بی‌تاب‌گونه می‌زد. او عضو ثابت صبحانه، ناهار و شام بود و هر جا نشانی از کسری بودجه و کم و کاستی بود، نام محصل مرغ می‌درخشید. آن زمان تخم سایر پرندگان مثل: تخم بلدرچین، تخم کبوتر، تخم مرغ، شترمرغ و ازین قبیل چیزها وجود نداشت. اگر هم بود، برای از ما بهتران بود و فقط مرغ در صحنه ارائه محصولاتش پرفورمنس انحصاری داشت. این درخشش تا جایی نفوذ پیدا کرده بود که با پسوند «محلی» به بهایش افزوده می‌شد، زیرا برخی مردمان معتقد بودند که ژن تخم مرغ محلی، ژن خوب است! در طبقات درب یخچال به جز گزینه پرطمطراق تخم مرغ، سایر موارد در دسته صبحانه می‌گنجید. بنابراین بطور کل از مسیر نگاه‌مان حذف می‌شد. طبقات اصلی را برانداز می‌کردیم؛ یک گوجه با هیكل له شده چروکیده، خودش را به گندیدگی زده بود تا خورده نشود. نمی‌دانم چرا فکر می‌کرد اگر لقمه ما نشود، زنده می‌ماند! بیچاره نمی‌دانست گنده می‌شود به سگ می‌دهیم! لابد طرفدار حقوق حیوانات بود و ترجیح می‌داد به سگ برسد تا به ما! قدرتش در همین حد بود: تولید بوی

شام» نام داشت. نسخه‌ای از اثرش در جعبه‌ی نوستالژی‌هایم جابخوش کرده است که با اجازه‌ی متأخر و نه اذن مقدم، عیناً به نظرتان می‌رسانم:

{من از واژه سیاست و متعلقاتش می‌ترسم؛ متعلقاتش چیزی مثل همین دموکراسی و دیکتاتوری است؛ نویسنده‌ای هم به درستی دموکراسی را دموقراضه نامیده است؛ «ما را چه به سیاست و این ابوقراضه‌ها». این جمله معروف پدرم است که زبان‌زد خاص و عام می‌باشد. در خانواده‌ی ما کاربرد این واژه‌ها قدغن است. روزی پدرم از کوتوله تا بلندمان را، چه از لحاظ سنی چه قدی، جمع کرد و روی یک کاغذ نوشت «سیاست» و بعد با خودکار قرمز دور آن خط‌کشید و سپس یک علامت ضربدر روی آن زد؛ یعنی ممنوع! پدرم یک ارتشی خیلی قدیمی و نظامی‌بازنشسته است؛ از همان‌هایی که رطب‌خورده منع رطب می‌کند. انگار ته نگاه پدر می‌لرزد، وقتی نام سیاست را می‌شنود، درست مثل دستانش؛ وقتی می‌نوشت سیاست. در خانواده ما وقتی قانونی مکتوب آن هم در قد و قواره ممنوعیت نوشته می‌شود، همه ملزم به رعایت آن هستند. به این نتیجه رسیدم که از حق انتخاب شام در خانواده‌مان برایتان سخن بگویم، شاید مصداقی از همان واژه‌های قراضه باشد تا با یک تیر دو نشان بزنم؛ نشان اطاعت از پدر و نشان عبادت دل! امید بسته‌ام به اینکه تابلوی نوشتاری‌ام، به سرنوشت «شام آخر» دچار نشود!

حکایت قوانین غذای مصرفی خانواده ما به قدیم‌ها باز می‌گردد؛ قدیم‌ها، یعنی همان زمانی که مهر اتمام جنگ چند سالی بود که خشک شده بود و چالش تلاش برای حفظ بقاء، تا جایی در تاروپود مردم نفوذ کرده بود که نوع تغذیه مصرفی نیز تحت تأثیر آن قرار داشت. چاره‌ای برای رفع کمبودها و نبودها نبود. ردپای جنگ عیان بود. سایه کوپن هم برایمان کوتاه بود؛ تنوع امروزی وجود نداشت و روتین‌های یکنواخت، رنگ یکدستی بر اغلب خانواده‌ها پاشیده بود. هرچند آورده‌اند که دل‌ها خوش‌تر بود! از

استقلال و آزادی در انتخاب غذا، ثمره تحمل همان گرسنگی‌ها بود. ما برای حق انتخاب خود گرسنگی کشیدیم و با اینکه تاکنون نتوانستیم قانون ممنوعیت سخن در مورد دموکراسی یا دیکتاتوری را در خانواده نقض کنیم، لیکن چه خوش گفت که «به عمل کار برآید به سخن دانی نیست!».

اثر «وی» این‌گونه به اتمام رسید. خاطرم هست ناظم مدرسه اثرش را از لیست داوری حذف کرده بود. شنیده‌ها حاکی از آن بود که فرموده بود: «اثرش بودار است.» احتمالاً بوی گندیدگی گوجه و تخم مرغ آب‌پز را تجسم کرده بود که به این نتیجه رسیده بود. من و «وی»، که ترکیبمان قشنگ‌تر از تجزیه‌مان بود و گروه «حرکات موزون» را خلق کرده بودیم، دست به انتشار و پخش اثر در بین دانش‌آموزان زدیم و خبر حذف را به گوش همگان رساندیم؛ به جز اقلیتی چاپلوس، عده‌ای از دانش‌آموزان به خاطر ترس و عده‌ای به نشانه اعتراض، اثر خود را پس گرفتند. شرکت در مسابقه را تحریم کردند. کاهش شرکت‌کنندگان و همه‌های دانش‌آموزی موجب شد که عطای مسابقه به لقایش بخشیده شود و به استناد دستورالعملی از مقامات بالا و با این استدلال که «علم‌آموزی دانش‌آموزان بر فعالیت‌های جنبی و مفرحانه تقدم دارد»، مسابقه لغو گردد و تا اطلاع ثانوی به دلیل عدم رشد عقلی و خروج از موضوعات درسی، سخن در این باره ممنوع گردد. با این رخداد، ناظم مدرسه، من و «وی» را احضار و توبیخ کرد. از آنجا که، جزء دانش‌آموزان ممتاز بودیم و اقدامی فراتر از توبیخ خصوصی، احتمال اخلال در نظم مدرسه را بیشتر می‌کرد، با حالتی تحکم‌آمیز اما در پوشش نرم نصیحت، ما را به زعم خود عفو نمود و در آخر گفت: «بروید به درس و مشقتان برسید؛ شما را چه به این ابوقراضه‌ها!»

بد گندیدگی و آزار دادن مشام! در کل ما هم به او توجه خاصی نشان نمی‌دادیم؛ چون گوجه فقط با یک گزینه مخلوط می‌شد: تخم‌مرغ! در نهایت به گوجه نگاه عاقل‌اندر سفیهی می‌انداختیم که بفهمد ما نخواستیم، نه اینکه او برای ما ناز کند؛ بالاخره آدمی گفتن، صیفی‌جاتی گفتن!

کدو؛ صیفی‌جات بی‌خاصیت دیگری، که فقط در کنار دیگر صیفی‌جات مثل سیب‌زمینی و بادمجان و کلم معنا می‌یافت، با لباسی رنگ‌پریده، خودنمایی می‌کرد اما او هم می‌دانست که گزینه ما نیست، یعنی اگر هم نمی‌دانست مهم نبود، دعوایی باهم نداشتیم؛ هر دو نسبت به هم خنثی بودیم.

ظرف چدنی، سرد و بی‌رمق، در ته یخچال خود را به آب و آتش می‌زد که خورده شود، چون هر روزی که از ماندنش می‌گذشت بوگندوتر می‌شد و معلوم نبود به چه سرنوشتی دچار شود؛ چون اگر خورده نمی‌شد مثل گوجه نصیب سگ نمی‌شد بلکه در قالب‌های دیگر به ما خورانده می‌شد، مثلاً ته‌دیگ غذای روز بعد! بله، این ظرف سرشار از رویدادهای هفته بود! بنابراین گاهی برای این که زودتر از شرش خلاص شویم و با حالت نزارتری ملاقاتش نکنیم، سریع می‌بلعیدیمش و دیگران را هم به بلعش تشویق می‌کردیم؛ آش کشک خاله بود. اما گاهی هم می‌گفتیم یک امشب را حق انتخاب داریم، پس بگذار انتخاب کنیم، نه از سر ترس بلکه از سرفدورت! بنابراین شیفت+دیلیت را می‌گرفتیم و این گزینه از مدار انتخابمان حذف می‌شد.

تخم‌مرغ، صیفی‌جات بی‌خاصیت، رویدادهای هفته، سبزیجات مکمل غذا، آش زن همسایه با محتویات نامعلوم که ظاهرش موجب می‌شد به سمتش نروی؛ حتی اگر شکمت، پدر صاحبش را از گرسنگی جلوی چشمش درآورده باشد و قورباغه‌وار آبرویت را در جمع له کند؛ همه‌ی این‌ها، لیستی از منوی شام ما بود با اشانتیون حق انتخاب!

در کنار همه این‌ها تکه نانی در گوشه‌ای متین و سنگین نشسته بود؛ نه از آن تکه نان‌های سهراب که روح را جلا می‌داد، بلکه تکه نانی که باید تقسیم می‌شد و توانایی سیر کردن ما را نداشت مگر آنکه با سایر گزینه‌ها مخلوط می‌شد. نان به بودنش مطمئن بود. به یکدیگر احترام می‌گذاشتیم شاید چون نیازمان متقابل بود؛ ما به او برای رفع جوع و او به ما برا نگه‌داشت حرمتش، تا با سایر آشغال‌ها قاطی نشود و همیشه جایگاهش محفوظ بماند.

منوی یخچال دلچسب نبود، هر چند حق انتخاب بود. این وضعیت و گرسنگی، قدرت تفکر را از ما می‌گرفت و مجبور می‌شدیم به سراغ گزینه‌ای برویم که در ابتدا با بی‌توجهی کامل از کنار آن گذشته بودیم؛ یعنی حاصل مرغ که با زحمت زیاد تولید شده بود؛ هرچند زحمت خروس را نیز نباید نادیده انگاشت! (ر.ک: پ.ن. ۳) اما این گزینه، انتخاب ما نبود و در نهایت ما می‌ماندیم و تکه نان، روغن و خرده هوشی که می‌گفت چنگال کن و بخور! (غذای چنگال: نان محلی خرد شده+روغن محلی+شکر) این‌گونه بود که حکایت شام ما با اشانتیون حق انتخاب به پایان می‌رسید و کلاغ دورو هم به منزلش؛ لیکن ما می‌دانستیم انتخاب نکردیم، می‌دانستیم گزینه‌ها را به گونه‌ای برایمان چیده‌اند که گرسنگی امان را از ما ببرد و با خیال انتخاب پیش برویم. رؤسای خانواده با یک تیر، دو نشان می‌زدند: سیر کردن شکم با منت حق انتخاب! منتی که ما باید سپاس‌گزارش هم می‌بودیم، چون بچه همسایه همین را هم نداشت!

بعدها که کمی بزرگتر شدیم و خرده‌هوشمان نیز؛ خرده‌هوش به ما می‌گفت گرسنگی بکش اما منت انتخاب اجباری را به دوش نکش و عزتت را به این کلاغ رنگ شده نفروش.

بعدها که کمی مستقل شدیم و اندک پس‌اندازی داشتیم، تا گرسنه می‌شدیم، غذای دلخواهمان را تهیه می‌کردیم و می‌خوردیم بدون منت حق انتخاب!



جامعه مدنی و گذار به دموکراسی در کشورهای در حال توسعه

زهرا قدیمی
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی

چکیده:

در فرآیند گذار به جامعه سیاسی مدرن، دو نهاد کلیدی یعنی احزاب سیاسی و جامعه مدنی نقشی بنیادین ایفا می‌کنند. این مقاله تلاش می‌کند تا ضمن تبیین مفهومی این دو نهاد، به بررسی رابطه متقابل آن‌ها و نقش‌شان در نهادهای دموکراسی بپردازد. همچنین، به چالش‌ها و موانعی که در مسیر کنش‌گری مؤثر این نهادها در کشورهای مختلف وجود دارد، اشاره شده و بر اهمیت ساختارهای قانونی و فرهنگی در کارکرد آن‌ها تأکید می‌شود. در نهایت، تحلیل تطبیقی میان الگوهای حکمرانی غربی، آسیایی و اقتدارگرا به عمل آمده تا تفاوت در عملکرد و اثرگذاری این نهادها در بسترهای گوناگون بهتر درک شود.

مقدمه:

تحقق جامعه سیاسی مدرن مستلزم شکل‌گیری و تقویت نهادهای واسطی است که بتوانند میان دولت و شهروندان ارتباطی دوسویه برقرار کنند. در این میان، احزاب سیاسی و جامعه مدنی دو بازیگر اصلی‌اند که هم در فرآیند دموکراتیک‌سازی و هم در نظارت و پاسخ‌گویی نهادهای قدرت، نقشی اساسی ایفا می‌کنند. بدون حضور فعال این دو نهاد، هیچ نظام سیاسی مدرنی نمی‌تواند ادعای دموکراتیک بودن داشته باشد. این مقاله با رویکرد تحلیلی و تطبیقی تلاش دارد جایگاه این نهادها را در فرآیند نهادهای دموکراسی مورد بررسی قرار دهد.

عمومی فعالیت می‌کنند. این نهادها با ترویج فرهنگ مشارکت، افزایش آگاهی عمومی، دفاع از حقوق شهروندی و مطالبه‌گری اجتماعی، نقشی اصلاح‌گرایانه دارند. در جوامعی که جامعه مدنی قوی است، دولت‌ها ناگزیر به شفافیت، پاسخ‌گویی و تعامل بیشتر با شهروندان‌اند. همچنین، نهادهای مدنی با فراهم کردن بستری برای گفت‌وگوی اجتماعی و تولید سرمایه اجتماعی، انسجام ملی را افزایش می‌دهند. (عادلی، ۱۴۰۰: ص ۲۱۱؛ فکوهی، ۱۳۹۰: ص ۷۶)

۳. رابطه تکمیلی احزاب سیاسی و جامعه مدنی: احزاب سیاسی بخشی از جامعه مدنی هستند و نقش کلیدی در شکل‌گیری اراده عمومی ایفا می‌کنند (بشیریه، ۱۳۸۵). این نهادها با داشتن اساسنامه و برنامه‌های مشخص، افراد را جذب می‌کنند؛ افرادی که به‌طور رسمی عضو حزب بوده یا به‌صورت غیررسمی نماینده افکار و عقاید بخشی از

۱. احزاب سیاسی (موتور محرک دموکراسی): احزاب سیاسی یکی از مهم‌ترین نهادهای مشارکتی در جامعه سیاسی مدرن‌اند که نقش‌هایی چون سازمان‌دهی رقابت سیاسی، تربیت نیروهای نخبه، تدوین سیاست‌های عمومی، و تسهیل فرآیند انتقال قدرت را برعهده دارند. در جوامع دموکراتیک، احزاب نه تنها بیانگر دیدگاه‌های گوناگون اجتماعی هستند، بلکه با تبدیل اختلاف‌نظرها به رقابت مسالمت‌آمیز، ضامن پایداری سیاسی نیز محسوب می‌شوند. نبود احزاب کارآمد و پاسخ‌گو، راه را برای شخص‌محوری، بی‌ثباتی سیاسی، و فساد ساختاری باز می‌کند. (بشیریه، ۱۳۸۵: ص ۱۰۲؛ مرشدیزاده، ۱۳۸۱: ص ۵۶)

۲. تعریف جامعه مدنی (وجدان بیدار جامعه): جامعه مدنی مجموعه‌ای از سازمان‌ها، انجمن‌ها، تشکلات و نهادهای مستقل غیردولتی است که به‌صورت داوطلبانه در عرصه

به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.» با این حال، تفسیرهای موسع و سلیقه‌ای از واژه‌هایی چون «موازین اسلامی» یا «اساس جمهوری اسلامی»، موجب شده است که بسیاری از احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد نتوانند آزادانه به فعالیت بپردازند. علاوه بر آن، قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها مصوب ۱۳۶۰ و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، به جای تسهیل فعالیت‌های سیاسی، بیشتر در راستای نظارت و کنترل بر عملکرد احزاب تنظیم شده‌اند. روند پیچیده صدور مجوز، انحلال‌های اداری، نظارت مستمر و نبود ضمانت‌های کافی برای حفظ استقلال تشکلهای از جمله چالش‌های اصلی این حوزه‌اند. در حوزه جامعه مدنی نیز، ثبت سازمان‌های مردم‌نهاد تحت نظارت وزارت کشور، نیروی انتظامی یا سازمان بهزیستی صورت می‌گیرد که گاه با فرآیندهای فرساینده، موانع بوروکراتیک و ارزیابی‌های امنیتی همراه است. همین امر، اعتماد عمومی را نسبت به نهادهای مدنی کاهش داده و مشارکت فعالان اجتماعی را محدود کرده است. همچنین، نبود آموزش‌های گسترده مدنی در نظام آموزشی، نبود رسانه‌های مستقل برای ترویج مشارکت سیاسی، و محدود بودن امکان گفت‌وگوهای آزاد در فضای عمومی، از دیگر موانع ساختاری رشد جامعه مدنی در ایران به شمار می‌رود.

در مجموع، فقدان زیرساخت‌های قانونی شفاف، ضعف فرهنگ سیاسی مشارکتی و رویه‌های نظارتی محدودکننده، از جمله موانع جدی در مسیر تقویت احزاب سیاسی و جامعه مدنی در ایران هستند؛ موانعی که بدون اصلاح آن‌ها، شکل‌گیری جامعه سیاسی مدرن با چالش‌های بنیادین مواجه خواهد بود.

۵. مقایسه تطبیقی الگوهای حکمرانی با تأکید بر نقش احزاب و جامعه مدنی: الگوهای حکمرانی در جوامع مختلف بسته به بستر تاریخی، فرهنگی و حقوقی تفاوت‌های معناداری دارند.

در نظام‌های دموکراتیک غربی، احزاب سیاسی و جامعه مدنی از جایگاهی نهادینه، قانونی و تأثیرگذار برخوردارند. برای مثال، در ایالات متحده آمریکا، نظام انتخاباتی بر اساس الکترال کالج (Electoral College) طراحی شده است؛ نهادی که نقشی تعیین‌کننده در انتخاب رئیس‌جمهور دارد. در این کشور، دو حزب عمده (دموکرات و جمهوری‌خواه) به‌صورت فعال، نقش محوری در سازماندهی رقابت‌های سیاسی، جذب و تربیت نخبگان سیاسی، تدوین برنامه‌های انتخاباتی و هدایت افکار عمومی ایفا می‌کنند (Baker, 2020). همچنین، جامعه مدنی در قالب نهادهای مستقل،

جامعه محسوب می‌شوند (عادلی، ۱۴۰۰). به این ترتیب، شهروندان بدون دخالت مستقیم، خواسته‌ها و مطالبات خود را از طریق احزاب و نمایندگانشان در نهادهای رسمی و غیررسمی دولتی بیان می‌کنند (فکوهی، ۱۳۹۰). احزاب به‌عنوان واسطه‌ای میان جامعه مدنی و ساختارهای قدرت، نقش مهمی در تبدیل خواسته‌های مردمی به سیاست‌های اجرایی ایفا می‌کنند (قوام، ۱۳۹۴). تضعیف هر یک از این دو بخش، یعنی جامعه مدنی یا احزاب، می‌تواند فرآیند مشارکت سیاسی را ناقص و آسیب‌دیده کند؛ به‌عنوان مثال، در کشورهایی که احزاب به ابزارهای دولتی تبدیل شده‌اند، جامعه مدنی بار مطالبه‌گری را به‌تنهایی به دوش می‌کشد که این امر می‌تواند به بروز تنش‌های سیاسی منجر شود.

۴. موانع و چالش‌ها در ایران: در ایران، با وجود تصریح اصل ۲۶ قانون اساسی مبنی بر آزادی احزاب و جمعیت‌ها، در عمل فعالیت‌های حزبی و مدنی با موانع متعددی مواجه است. به موجب این اصل: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط



۶. راهکارهای تقویت جامعه سیاسی مدرن با تکیه بر قانون اساسی ایران: برای تقویت جامعه سیاسی مدرن در ایران، باید از ظرفیت‌های قانونی موجود بهره گرفت. اصل ۷ قانون اساسی بر اهمیت شوراها تأکید دارد و تقویت جایگاه آنان می‌تواند مشارکت مردمی را افزایش دهد. اصل ۲۶، فعالیت احزاب را مجاز دانسته که با تسهیل شرایط قانونی و شفاف‌سازی مالی، می‌توان به احزاب کارآمدتری دست یافت. آموزش مفاهیم مشارکت و حقوق شهروندی نیز در چارچوب اصل ۳۰ ضروری است. همچنین، تضمین امنیت حقوقی فعالان سیاسی (مطابق اصل ۲۰) و حمایت از رسانه‌های مستقل به عنوان نهادهای ناظر از دیگر راهکارها برای ارتقاء جامعه مدنی و مشارکت سیاسی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

نتیجه‌گیری: بدون احزاب سیاسی پاسخگو و جامعه مدنی پویا، تحقق جامعه سیاسی مدرن ممکن نیست. این نهادها نه تنها سازوکارهایی برای مشارکت مردم در قدرت‌اند، بلکه ابزارهایی برای نظارت، نقد و اصلاح ساختارهای حکمرانی نیز به شمار می‌آیند. دموکراسی واقعی تنها زمانی شکل می‌گیرد که شهروندان از طریق نهادهای واسطه بتوانند صدای خود را به قدرت برسانند. بنابراین، تقویت این دو نهاد از اولویت‌های اصلی در مسیر توسعه سیاسی و اجتماعی کشورها باید باشد.

سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌های آزاد، فضای مشارکت سیاسی و نظارت مردمی را تقویت می‌کند. در کشورهای آسیایی، الگوهای حکمرانی طیف گسترده‌تری را شامل می‌شود.

برای مثال، در ژاپن و کره جنوبی، نظام حزبی و جامعه مدنی از ساختار نسبتاً توسعه‌یافته‌ای برخوردارند. وجود احزاب برنامه‌محور، انتخابات آزاد و رسانه‌های نسبتاً مستقل موجب شده است تا مشارکت سیاسی به شیوه‌ای ساختار یافته محقق شود. در مقابل، در برخی دیگر از کشورهای آسیایی و خاورمیانه، همچنان فرهنگ سیاسی اقتدارگرا حاکم است و احزاب بیشتر جنبه نمایشی یا وابسته به ساختارهای قدرت دارند. در این کشورها، جامعه مدنی نیز اغلب با محدودیت‌های قانونی، امنیتی یا فرهنگی مواجه است و امکان ایفای نقش واقعی در تصمیم‌سازی‌های کلان برای آن فراهم نیست (Diamond, 2019). در نظام‌های اقتدارگرا، معمولاً احزاب به ابزارهای حاکمیتی بدل می‌شوند و نقش جامعه مدنی به شدت کمرنگ یا کنترل شده است.

در چنین نظام‌هایی، فرآیند مشارکت سیاسی محدود به سطوح نمادین می‌شود و شهروندان از مسیرهای نهادمند برای بیان خواسته‌های خود محروم می‌مانند. مقایسه تطبیقی میان این الگوها نشان می‌دهد که توسعه سیاسی پایدار، مستلزم نهادهای سازشی هم‌زمان احزاب سیاسی پاسخگو و جامعه مدنی مستقل است.

منابع فارسی:

۱. بشیریه، حسین. تحول دولت در جوامع مدرن. تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
۲. بشیریه، حسین. جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۵.
۳. عادل، حسین. مبانی علم سیاست. تهران: سمت، ۱۴۰۰.
۴. فکوهی، ناصر. توسعه و تضاد. تهران: نشر آشیان، ۱۳۹۰.
۵. قوام، عبدالعلی. سیاست و حکومت در اروپا. تهران: سمت، ۱۳۹۴.
۶. مرشدی‌زاده، جمشید. احزاب سیاسی و دموکراسی. تهران: موسسه چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۷. کاتوزیان، محمدعلی. نهادهای سیاسی و توسعه‌نیافتگی در ایران. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵.
۸. مقالات منتشرشده در پایگاه نورمگز (www.noormags.ir) با کلیدواژه‌های: احزاب سیاسی، جامعه مدنی، توسعه سیاسی
۹. مقالات علمی-پژوهشی در پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) با کلیدواژه‌های مرتبط
۱۰. پایگاه علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (www.ihcs.ac.ir)، مقالات منتشرشده در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی

منابع انگلیسی:

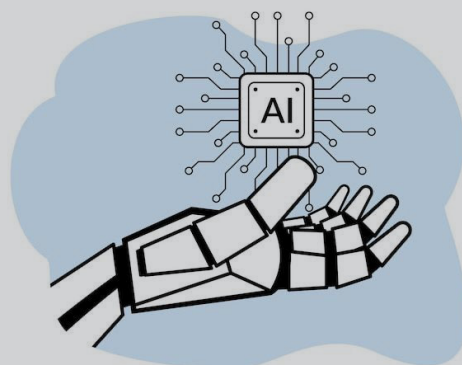
11. Diamond, L. (2019). Ill Winds: Saving Democracy from Russian Rage, Chinese Ambition, and American Complacency. Penguin.
12. Baker, R. (2020). The Electoral College and American Democracy. Harvard University Press.



چالش‌های فرا روی حرفه‌ی وکالت در عصر دیجیتال و هوش مصنوعی

اسماعیل نام‌آور سارانی / کارآموز وکالت

هوش مصنوعی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای فناوری، در بسیاری از حوزه‌های شغلی از جمله پزشکی و وکالت تأثیرات چشم‌گیری داشته است. این تأثیرات، به‌ویژه در مشاغلی که نیاز به تحلیل‌های پیچیده و تعامل انسانی دارند، بیشتر نمایان می‌شود. یکی از پرسش‌های اساسی در این زمینه، آن است که آیا هوش مصنوعی قادر خواهد بود نقش جانشین یک وکیل را ایفاء کند؟

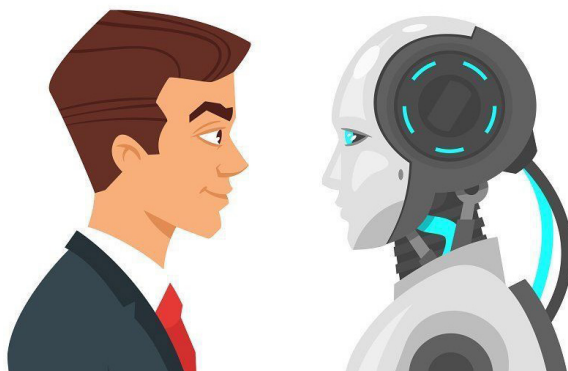


هوش مصنوعی، تفاوت‌های موجود میان درک شخصی و عرفی در مسائل است. معمولاً افراد مشکلات خود را به زبان ساده و در چارچوب دانش و گویش خاص خود بیان می‌کنند و وکیل می‌تواند بادرک صحیح موضوع، نکات کلیدی را از درخواست موکل استخراج کند، درحالی‌که هوش مصنوعی ممکن است برای درک جزئیات موضوعات متنوع دچار مشکل شود. برای نمونه، در یک پرونده‌ی خانوادگی در مناطق روستایی ایران، وکیل باید با فرهنگ و اصطلاحات محلی آشنا باشد تا بتواند دفاع مناسبی ارائه دهد. علاوه بر این، هوش مصنوعی در برخی مواقع به طور قاطع، پاسخ‌هایی ارائه می‌دهد که ممکن است نادرست باشند. این امر به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند پزشکی و حقوق، که دقت در تصمیم‌گیری حیاتی است؛ می‌تواند تبعات جدی به دنبال داشته باشد. برای مثال، یک سیستم هوش مصنوعی ممکن است به اشتباه توصیه‌ای در مورد یک پرونده‌ی حقوقی ارائه دهد که در نهایت منجر به صدور رأی ناعادلانه گردد.

با این حال، هوش مصنوعی توانسته است تحولات مثبتی را نیز در حوزه‌ی وکالت ایجاد کند. این فناوری با ارائه‌ی ابزارهای پیشرفته موجب افزایش بهره‌وری، دقت و سرعت در انجام امور حقوقی گشته است. تجربه‌ی استفاده از هوش مصنوعی در وکالت در کشورهای مختلف نشان

وکالت در هر کشوری به دلیل پیچیدگی‌های حقوقی و وجود قوانین متنوع، نیازمند درک عمیق و اشراف به مواد قانونی و توانایی تشخیص و تطبیق آن‌ها با موضوعات خاص است. برای نمونه، در ایران، وکلا باید تسلط کافی به قوانین مدنی و کیفری داشته و بتوانند از ظرفیت‌های قانونی مختلف برای دفاع از موکل خود بهره‌برند. اگرچه هوش مصنوعی می‌تواند تحلیل دقیقی از متون قانونی ارائه دهد؛ اما درک روابط پیچیده‌ی میان قوانین و نحوه‌ی استفاده از آن‌ها در موقعیت‌های خاص، نیازمند تجربه، خلاقیت، هوش و ذکاوت طبیعی خاص انسان است. یکی دیگر از جنبه‌های مهم وکالت، توانایی تعامل و تغییر استراتژی در دادگاه‌ها است؛ چراکه جلسات دادرسی معمولاً پویایی بالایی داشته و وکلا باید براساس پاسخ‌های طرف مقابل و شرایط جدید، در لحظه استراتژی خود را تغییر دهند. این توانایی که عموماً مبتنی بر تحلیل آنی، هوش و خلاقیت است، در ظرف هوش مصنوعی نمی‌گنجد. به عنوان مثال: در شرایطی که وکیل طرف مقابل مدارک جدیدی ارائه می‌دهد، می‌توان به سرعت واکنش و پاسخ مناسب را نسبت به آن داشت؛ اما سیستم‌های هوش مصنوعی اصولاً برای چنین تصمیم‌گیری‌های ناگهانی طراحی نشده‌اند.

از جمله چالش‌های موجود در این حوزه با ورود



مصنوعی مبتنی بر تحلیل داده‌ها عمل می‌کند، ممکن است در برخی موارد نتایج نادرستی ارائه دهد. حفظ محرمانگی و امنیت اطلاعات حقوقی نیز از دیگر دغدغه‌های مهم است؛ زیرا بسیاری از پرونده‌های حقوقی شامل اطلاعات حساس و شخصی می‌باشند که در صورت عدم رعایت ملاحظات امنیتی، ممکن است در معرض خطر افشاء قرار گیرند. علاوه بر این، استفاده‌ی گسترده از هوش مصنوعی در وکالت ممکن است فرصت‌های شغلی برخی از وکلا و مشاوران حقوقی را کاهش دهد؛ به‌ویژه در حوزه‌هایی که استفاده از اتوماسیون امکان‌پذیر است.

برای بهره‌گیری بهتر از هوش مصنوعی در وکالت، اقداماتی نظیر آموزش وکلا برای آشنایی با فناوری‌های نوین، وضع قوانین و مقررات مناسب و ترکیب تخصص انسانی با فناوری، پیشنهاد می‌شود. دولت‌ها و نهادهای حقوقی نیز باید قوانینی تدوین کنند که استفاده از هوش مصنوعی را در وکالت تحت نظارت قرار دهد و مسئولیت‌های قانونی و اخلاقی مرتبط با آن را مشخص کند. همچنین، وکلا باید مهارت‌های خود را با یادگیری مفاهیم مرتبط با فناوری‌های نوین ارتقاء دهند تا بتوانند در کنار سیستم‌های هوشمند، نقش مؤثرتری در دفاع از حقوق موکلان خود ایفا کنند.

در نهایت باید عنوان کرد ورود هوش مصنوعی به حوزه وکالت فرصت‌ها و چالش‌های متعددی را به همراه دارد. این فناوری می‌تواند باعث بهبود عملکرد وکلا، افزایش دقت در امور حقوقی و کاهش هزینه‌های خدمات حقوقی شود. با این حال، ضروری است که چالش‌های مرتبط با آن به درستی مدیریت شود تا ارزش‌های حرفه‌ای وکالت حفظ شود. به‌طور قطع ایجاد تعادل میان بهره‌گیری از فناوری و حفظ اصول اخلاقی و حقوقی، کلید استفاده‌ی مؤثر از هوش مصنوعی در این حوزه خواهد بود.

می‌دهد که این فناوری تأثیر قابل توجهی بر روند دادرسی و ارائه‌ی خدمات حقوقی داشته‌است. به‌عنوان مثال: در ایالات متحده، نرم‌افزارهایی مانند "ROSS Intelligence" برای جستجوی سریع پرونده‌های حقوقی بکارگرفته می‌شوند. در بریتانیا، برخی مؤسسات حقوقی از الگوریتم‌های پیشرفته برای پیش‌بینی نتایج دعاوی قضایی بهره می‌برند که این امر باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها شده‌است. همچنین، در کشورهایی مانند استرالیا و کانادا، چت‌بات‌های حقوقی به مراجعه‌کنندگان کمک می‌کنند تا مشاوره‌ی اولیه دریافت کنند و درک بهتری از حقوق و تعهدات قانونی خود داشته باشند.

همچنین در ایران نیز استفاده از هوش مصنوعی در حوزه وکالت در حال توسعه است. برخی استارت‌آپ‌های حقوقی اقدام به طراحی چت‌بات‌ها و سیستم‌های هوش مصنوعی برای ارائه‌ی مشاوره‌ی اولیه‌ی حقوقی کرده‌اند. این فناوری‌ها می‌توانند به شهروندان در دریافت اطلاعات حقوقی کمک کرده و فرآیند مشاوره را تسریع کنند. همچنین، برخی از مؤسسات حقوقی از نرم‌افزارهای پردازش زبان طبیعی برای تحلیل اسناد و پرونده‌های حقوقی بهره می‌برند. با این حال، چالش‌هایی مانند وجود زیرساخت‌های محدود، موانع قانونی و نگرانی‌های امنیتی باعث شده‌اند که روند پذیرش هوش مصنوعی در وکالت ایران نسبت به کشورهای پیشرفته، کندتر باشد اما باید در نظر داشت تدوین مقررات مشخص، حمایت از توسعه‌ی فناوری‌های بومی و ارتقای آگاهی وکلا از کاربردهای هوش مصنوعی می‌تواند مسیر استفاده گسترده‌تر از این فناوری را در نظام حقوقی ایران هموار کند.

با وجود مزایای متعدد، چالش‌هایی نیز در مسیر بهره‌گیری از هوش مصنوعی در وکالت وجود دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، مسئولیت‌پذیری و دقت در تصمیمات حقوقی است. از آن‌جا که هوش



معرفی کتاب شرق بهشت؛ داستان تکرار نشدنی انسانها

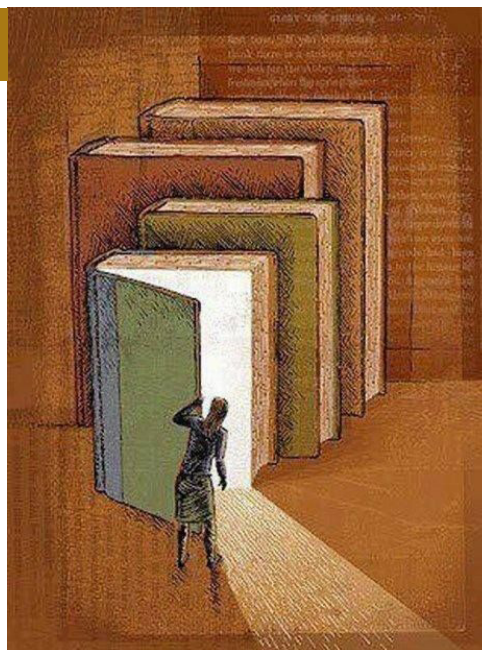
✍ زهرا کرمی راد :: کارآموز وکالت

مقدمه:

در جهان ادبیات داستانی آثار کلاسیک همواره به عنوان آینه‌ای از فرهنگ و انسانیت شناخته می‌شوند. بی شک ادبیات کلاسیک بدون حضور ستاره‌های درخشان آسمانش گمشده باقی می‌ماند. یکی از این ستاره‌های نام آشنا جان اشتاین بک است. جان اشتاین بک در سال ۱۹۰۲ در سالیانس چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۳۹ به خاطر خوشه‌های خشم - کتابی که همه می‌شناسیم - جایزه پولیتزر گرفت. در سال ۱۹۵۲ شاهکار دیگری به نام شرق بهشت خلق کرد که گنجینه ارزشمند جان اشتاین بک است. او در وصف شرق بهشت می‌گوید: «... صندوقچه این است که هر چه داشته‌ام یا کم و بیش داشته‌ام توی آن گذاشته‌ام... هم درد و رنج در آن است هم عشق، هم روزهای خوب و هم بد، لذت شکل بخشیدن، کمی نومییدی و شادی وصف ناپذیر خلق کردن» هیچ توصیفی نمی‌تواند به این اندازه شرف بهشت را معرفی کند، گنجینه‌ای تمام از انسانیت که اشتاین بک به ماهرانه‌ترین و زیباترین شکل ممکن خلقت کرده است. با وجود شهرت جهانی کتاب شرق بهشت این کتاب در ایران، کمتر مورد توجه قرار گرفته است و برای بسیاری از علاقه‌مندان به کتاب‌خوانی، نامی ناآشنا است.

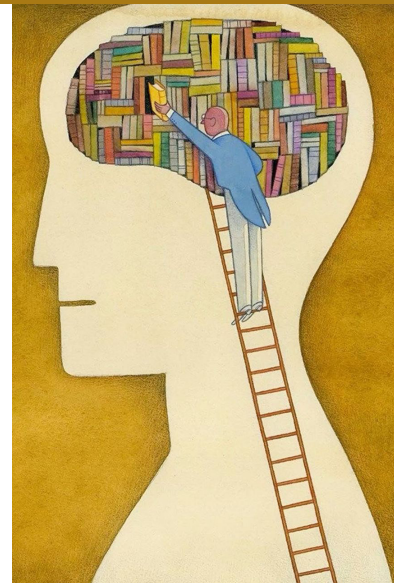
خلاصه داستان:

”زندگی آدم‌ها و سرگذشتشان از هر داستانی شیرین‌تر است.“
پیشگفتار کتاب
داستان با تصویر پردازی دره سالیانس - زادگاه اشتاین بک - شروع می‌شود. دره سالیانس بستر اصلی داستان است که در آن خانواده‌های هامیلتون که از ایرلندی‌های مهاجر به امریکا هستند و نسل دوم خانواده تراسک همسایه یکدیگر می‌شوند. خانواده هامیلتون به دنبال یک زمین حاصل‌خیز به سالیانس مهاجرت کرده اند اما سهم آنها به جز زمین‌های غیر قابل کشت نبوده است و ساموئل هامیلتون به عنوان پدر خانواده راهی دیگر را با استفاده از افکار نوین خود برای اداره خانواده خود برمی‌گزیند. در داستانی موازی، نسل اول خانواده تراسک پدیدار می‌شوند؛ همراه دو برادر با روحیات کاملاً متفاوت و پدری که عمر خود را در جنگ‌های امریکا سپری کرده‌است و اکنون با پای چوبی به خانه برگشته است تا انضباطی که از ارتش آموخته را به پسرانش بیاموزد. در این روایت روحیات آدم با پدرش سازگار نیست و چارلز فرزند مطیع پدر است که سعی در کسب محبت پدرش دارد با این وجود محبت پدر متوجه آدم است و اولین جرقه‌های دشمنی بین برادران آغاز می‌شود تا به پسران آدم تراسک برسد.



درون مایه و مضامین داستان:

درون مایه کتاب شرق بهشت برگرفته از روابط اجتماعی بین انسان‌ها، تقابل فرهنگی آنها و نحوه برخورد با مسائل انسانی است. نویسنده به طرز ماهرانه‌ای شخصیت‌ها را در نیکی و بدی پیچیده است تا با انتخاب‌هایشان و از آن مهم‌تر نتیجه‌ی انتخاب‌هایشان به خواننده شر و نیکی و یا شاید در هم تنیدگی شر و نیکی را نشان دهد. اشتاین بک با خلق شخصیت‌هایی متفاوت و در طول کتاب با مضامین فلسفی، قصد دارد توانایی انسان در انتخاب سرنوشتی متفاوت و منحصر به فرد را به ذهن خواننده متبادر کند؛ اما از رنج انسان برای فرار از سرنوشتی که برای او مقدر شده است نیز غافل نشده است. دیگر مضمون محوری کتاب، مضمون اخلاقی آن است، اشتاین بک مفاهیم اخلاقی همچون صداقت، پرهیزگاری، نوع دوستی و مسئولیت‌پذیری را در شخصیت‌های کتاب به نمایش گذاشته است و گاهی این مفاهیم اخلاقی را در معرض قضاوت خواننده گذاشته و به چالش کشیده است. از میان مضامین اخلاقی مضمون نوع دوستی مورد ستایش نویسنده است و در طول داستان اثر رفتار انسان با زندگی و سرنوشت هم‌نوعانش ملموس است. در نهایت، مضامین دینی با اشاره‌هایی به کتاب مقدس مسیحیان، به ویژه داستان آدم و پسرانش-هابیل و قابیل- در طول داستان به چشم می‌خورد.



تحلیل کتاب:

”پس خداوند او را از باغ عدن بیرون کرد تا کار زمینی را که از آن گرفته شده بود بکند. پس آدم را بیرون کرد و به طرف شرقی باغ عدن کروبیان را مسکن داد“ از مقدمه کتاب. نویسنده، نام شرق بهشت را از قسمتی از کتاب مقدس وام گرفته است که نشان از قصد نویسنده از به کارگیری استعاره‌ای از هبوط انسان به زمین در داستان دارد. در قسمتی از داستان نیز اشاره‌هایی به داستان خانواده آدم و فرزاندنش هابیل و قابیل می‌شود. با این وجود، تمام کتاب شرق بهشت مفهومی استعاره‌ای ندارد و نویسنده تنها با استفاده از استعاره‌ها برای شخصیت‌هایش سرنوشتی منحصر به فرد خلق کرده است. در قسمت‌های مختلف کتاب، نویسنده بر اساس آموزه‌های مسیحیت قصد دارد خواننده را متوجه بار گناه ابدی که از زمان آدم و حوا بر دوش انسان‌ها بوده است کند و نشان دهد که حتی انسان‌های معصوم و بی‌گناه نیز وارثان گناهان مادران و پدران‌شان هستند. شخصیت پردازی جان اشتاین بک در شرق بهشت، بزرگترین نقطه قوت کتاب است. در طول کتاب با شخصیت‌های گوناگونی مواجه می‌شویم، از یک هیولای تمام عیار در قالب زنی ظریف و معصوم که شعله‌های آتش گناهانش اطرافیانی که او را فرشته انگاشته‌اند می‌سوزاند، تا مردی چنان بی‌گناه که دچار غرور تقدس شده‌است و با یافتن پیشینه‌ی خود فرو می‌پاشد. جان اشتاین بک استاد شکستن کلیشه‌ها، در کتاب شرق بهشت نیز با خلق شخصیت‌هایی نظیر خدمتکار چینی و کشاورزی فقیر که فاقد تحصیلاتند اما تشنه علم و فلسفه و با ذهن‌هایی روشن و افق‌هایی بی‌مرز هستند، بی‌نظیرترین گفتگوهای فلسفی و عرفانی کتاب را می‌سازد. این دوشخصیت، در تعالی سرنوشت شخصیت‌های دیگر نقش اساسی دارند و درس زندگی را می‌توان از کلام و رفتار آنها آموخت. دیالوگ‌های طولانی با محور اصلی این دو شخصیت و همچنین سرگذشت آن‌ها، قسمت قابل توجه دیگری از کتاب است که داستان را برای خواننده فراموش نشدنی می‌کند. سبک نوشتاری نویسنده در کتاب شرق بهشت، شاهکاری از سبک توصیفی است. توصیفات کتاب به قدری زنده و شیوا هستند که گویی خواننده کتاب به تماشای آن‌ها مشغول می‌شود. جان اشتاین بک در قسمت‌هایی از کتاب به این موضوع اشاره می‌کند که در واقع، خانواده هامیلتون خانواده مادری او هستند و این موضوع علت قابل لمس بودن داستان برای خواننده را رو می‌کند. زیرا که از زندگی خود جان اشتاین بک سرچشمه گرفته است و او نیز توانسته است مانند نقاشی که تصویر را می‌بیند با جزئیات تمام و واضح داستان را بر بوم روان خواننده ترسیم کند.

نتیجه‌گیری:

شرق بهشت داستانی خوش‌خوان و روان، با سیر داستانی منحصر به فرد خود و به دور از کلیشه است. نویسنده توانسته است یک داستان طولانی از نسل‌های مختلف دو خانواده امریکایی را بدون آن که از حوصله خارج شود، روایت کند و در این راه- به گفته خود- تمام دانش و تجربه خود را به کار برده است. بی شک خواندن کتاب شرق بهشت تجربه‌ای بی نظیر برای علاقه‌مندان به ادبیات کلاسیک و فلسفه است. سفر به شرق بهشت سفری به یاد ماندنی به جهانی است که با انسان‌های آن آشنا هستیم و جان اشتاین بک با قلم بی‌همتایش، ما را در درک آن‌ها یاری می‌کند.

سخنی با رئیس و دبیر کمیسیون کارآموزی

گپی کوتاه با کارآموزان وکالت اندر اهمیت دوره‌ی کارآموزی

دوره‌ی کارآموزی درواقع مرحله‌ای است پس از اخذ مدرک کارشناسی حقوق و یا مقاطع بالاتر و قبولی درآزمون ورودی وکالت، تا قبل از اخذ پروانه‌ی وکالت. واقعیت امر آن است که دروس دانشکده‌ی حقوق معمولاً کلیاتی است از مبانی و اصول علم حقوق که ضمن آن ذهن دانشجو را با نحوه‌ی قانون‌گذاری و قوانین حاکم بر اجتماعات و روابط افراد با یکدیگر و یا دولت و اساس تشکیلات مملکتی و بین‌المللی و آیین دادرسی مدنی و کیفری و امثال این مباحث آشنا می‌سازد. همان‌طور که

معلومات کلی و آشنایی با مبانی در رشته‌هایی نظیر پزشکی و مهندسی برای اشتغال به پزشکی و مهندسی کافی نبوده و کسب موفقیت در هر یک از آن‌ها نیازمند انتخاب یک رشته‌ی تخصصی و فراگیری رموز و دقایق آن می‌باشد؛ اشتغال به شغل وکالت دادگستری و موفقیت در دفاع از موکلین نیز مستلزم فراگیری رموز و دقایق دفاع در دوران کارآموزی است.

بنابراین اگر بگوییم که اهمیت دوره‌ی کارآموزی کمتر از دوره‌ی تحصیل در دانشکده‌ی حقوق نیست سخن گزافه‌ای نگفته‌ایم. در همه‌ی نظام‌های حقوقی برای ورود به کسوت وکالت، که از جایگاه خاصی برخوردار می‌باشد، دوره‌های خاصی برای کارآموزان وکالت در نظر گرفته شده است که در بعضی از کشورها این دوره‌ها طولانی و حتی بعضاً

چند مرحله‌ای است. در ایران نیز از همان بدو تأسیس کانون وکلا، سپری کردن دوره‌ی کارآموزی و موفقیت در اختبار کتبی و شفاهی شرط اخذ پروانه‌ی وکالت بوده و اکنون نیز به همین طریق می‌باشد. بنابراین دوره‌ی

کارآموزی خود را سهل و آسان نگیرید و تصور نکنید تکالیفی که

قوانین و آیین نامه‌های مربوطه و نظام نامه‌های داخلی‌ای

که کانون برای شما در نظر گرفته است به اصطلاح

فرمالیته بوده و از باب رفع تکلیف است! به

بیان دیگر به وظایف دوره‌ی کارآموزی خود

به صورت رفع تکلیف نگاه نکنید.

دوره‌ی کارآموزی از ویژگی‌های خاصی

برخوردار می‌باشد و واجد اهمیت فراوانی

است. تجربه‌ی بیش از سی سال وکالت

اینجانب و بیش از بیست سال عضو

کمیسیون اختبار و کارآموزی بودن به من

آموخته است که وکلایی در کار و حرفه‌ی

خود موفق بوده‌اند و شهرت و جایگاه

خاصی در جامعه و کانون به دست آورده‌اند؛

که دوره‌ی کارآموزی خود را جدی گرفته و

سعی کرده‌اند نهایت استفاده را از این دوره

بنمایند. بنابراین به عنوان رئیس کمیسیون

کارآموزی بر خود فرض می‌دانم که باز هم

یادآوری و توصیه نمایم که دوره‌ی کارآموزی

خود را که در حال حاضر برابر آیین‌نامه‌ی

مصوب ۱۴۰۰/۰۴/۰۶ و اصلاحات بعدی در

دومرحله پیش‌بینی شده است را به نحو احسن

گذرانده و خصوصاً در جلسات آموزشی و

کارگاه‌های آموزشی حضور فعال داشته و

صد البته در طی این مدت خود را بی نیاز از



مطالعه ندانید؛ سعی کنید که حداقل روزی یک ساعت مطالعه داشته باشید. همچنین نکته‌ای حائز اهمیت دیگر آن است که تلاش کنید پرسشگر باشید. بدین معنا که از کنار مباحث بی تفاوت رد نشوید و هرسوالی که برای تان مطرح می شود را با رعایت احترام از پیش کسوتان بپرسید.

تصور کمیسیون کارآموزی و بالاخص شخص خودم به عنوان رئیس این کمیسیون، این است که جوانان و کسانی که با علم و اطلاع از مشکلات، مشقت‌ها، مرارت‌ها و محرومیت‌های وکالت، این شغل شریف را انتخاب نموده‌اند؛ هدف و آمال و آرزوی آن‌ها شهرت طلبی و ثروتمندی نیست. به نظر من آن‌ها به خوبی می‌دانند که با مبارزه برای جلوگیری از وقوع یا ادامه‌ی ظلم و بی‌عدالتی، احساس غرور و رضایت خواهند کرد و مشتاق کمک و معاضدت به متظلمین، مظلومین و محرومینی هستند که حرص، نفرت و حسادت، مانع احقاق حق‌شان شده است. بی تردید این عواطف و احساسات مظه‌ری از علوط‌بع، نمونه‌ای از کرامت نفس و جلوه‌ای از بزرگواری و از خود گذشتگی است، که لزوماً در طی دوره‌ی کارآموزی باید تقویت شده و در تمامی مراحل زندگی شغلی مد نظر قرار گیرد. حال که از خصوصیات والای وکالت صحبت کردیم، بر خود فرض می‌دانم به چند نکته دیگر نیز اشاره کنم:

یکم، واقعیت امر این است که در مملکت ما به قول معروف دیواری کوتاه تر از دیوار وکلای دادگستری نیست. بنابراین لازم است شما که اینک پروانه‌ی کارآموزی وکالت را دریافت نموده‌اید و پا به عرصه‌ی بی‌کران دفاع از حق و حقیقت و مبارزه با بی‌عدالتی نهاده‌اید هوشیار باشید و بدانید که هر لحظه و هر آن کوچک‌ترین اعمال و رفتار شما زیر



دربین موشکافانه‌ی مردم، محاکم و از همه مهم‌تر خانه‌ی صنفی شما یعنی کانون وکلای دادگستری است. دوم، حسن اخلاق و رفتار شما طی دوره‌ی کارآموزی به حدی واجد اهمیت است که هم قانون (تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه‌ی وکالت) و هم آیین‌نامه لایحه‌ی استقلال کانون وکلا (ماده‌ی ۶۷ آیین‌نامه) برای آن شدیدترین مجازات انتظامی که همان ابطال پروانه‌ی کارآموزی می‌باشد را در نظر گرفته است. بنابراین شایسته و بایسته است که در طی دوره‌ی کارآموزی و شدیدتر از آن، تا زمانی که ردای وکالت بردوش دارید، اخلاق حرفه‌ای و موازین اخلاقی و قانونی را رعایت، صداقت و امانت داری را سرلوحه‌ی تمامی اعمال و افعال خود، در تمامی شئون زندگی‌تان قرار دهید. سوم، چه در دوره‌ی کارآموزی و چه در دوره‌ی وکالت تلاش نمایید که دعاوی را به صلح و سازش خاتمه دهید. این موضوع نه تنها یک تکلیف اخلاقی است بلکه تکلیف قانونی شما است. ماده‌ی ۳۱ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶، وکلا را مکلف نموده است که قبل از اقامه‌ی دعوا و در ضمن دادرسی، مساعی خود را برای ایجاد صلح و سازش به عمل آورند. هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم این نصیحت وکیل سرپرست خود، مرحوم علی رضا شریف‌زاد که همیشه به من به عنوان

کارآموز خود توصیه می‌کرد که: «مرادی! مناع الخیر نباش.»

چهارم، قابل درک است که هریک از شماها از زمان دریافت پروانه‌ی کارآموزی سعی و تلاش‌تان امرار معاش عالی‌تر و درکنار این امر کسب افتخار برای خودتان و خانواده‌تان می‌باشد اما رسیدن به این هدف نباید شما را از رعایت موازین اخلاق حرفه‌ای غافل دارد.

پنجم، رسیدن به هر هدفی نیازمند پشتکار و تلاش بی‌وقفه است. شرط اول رسیدن به اوج و قله‌ی وکالت همان است که گفتیم (رعایت اخلاق حرفه‌ای) و شرط دوم‌اش نیز مطالعه مستمر و مدام است. هیچ‌گاه دچار غرور و نخوت علمی خود نشوید. علم حقوق، علم نظرات است و همیشه پرسش‌گر و جویای نظرات مختلف باشید، و این مهم به دست نمی‌آید مگر با مطالعه و تحقیق مستمر. چراکه هیچ وکیلی بی‌نیاز از مشورت و راهنمایی گرفتن از پیش‌کسوتان و آنانی که اندوخته‌های علمی و عملی بیشتر دارند نیست. سعی‌تان بر این باشد که هر پرونده‌ای که قبول می‌کنید، درخصوص موضوع آن اول مطالعه کافی نمایید و دوم از نظر مشورتی پیش‌کسوتان بهره ببرید.

در پایان لازم است سخن یکی از وکلای برجسته‌ی فرانسه که به نظرم باید سرلوحه‌ی کار هر وکیل باشد را نقل به مضمون کنم. نقل شده است که ایشان در اواخر عمر خود بیمار و دچار عسرت و تنگ‌دستی مالی بوده است؛ کارآموزانش به عیادتش رفتند و یکی از آن‌ها به ایشان گفت: «استاد! شما زیر پایتان زروسیم بود و می‌توانستید آن‌ها را بردارید و حال به این محنت دچار نشوید.» استاد گفت: «برداشتن این زروسیم‌ها مستلزم خم شدن بود، یک وکیل هیچ‌گاه خم نمی‌شود.»

ضرورت به‌روزرسانی کمیسیون کارآموزی کانون های وکلای دادگستری

✎ احسان فرهادی ✎

دبیر کمیسیون کارآموزی کانون وکلای دادگستری فارس
و کهگیلویه و بویر احمد

کمیسیون کارآموزی یکی از مهم‌ترین نهادهای درون‌سازمانی کانون‌های وکلای دادگستری در ایران است که نقش آن فراتر از مدیریت دوره آموزشی کارآموزی، در تربیت وکلای حرفه‌ای و ارتقای استانداردهای اخلاقی و فنی وکالت تعریف می‌شود. این کمیسیون در حقیقت حلقه اتصال نظام حقوقی کشور با نسل جدید وکلایی است که قرار است در آینده به دفاع از حقوق شهروندان، تضمین دادرسی عادلانه و اجرای قانون بپردازند.

اما با وجود اهمیت ساختاری و مأموریتی این نهاد، ساختار فعلی کمیسیون کارآموزی در بسیاری از کانون‌ها همچنان از الگوی سنتی تبعیت می‌کند. الگویی که عمدتاً بر انجام امور تشریفاتی تمرکز دارد و به نیازهای جدید آموزشی و مهارتی کارآموزان با توجه به افزایش جذب بیش از حد کارآموزان به نسبت ظرفیت کانون‌ها پاسخ نمی‌دهد. تحولات گسترده در حوزه حقوق، تغییرات بنیادین در ماهیت دعاوی و شیوه دادرسی و نیز رشد فناوری و دیجیتالی‌شدن فرآیندهای حقوقی، نیازمند بازتعریف مأموریت، ابزارها و روش‌های آموزشی این کمیسیون است.

در بسیاری از کانون‌های وکلای کشور، فرآیند کارآموزی شامل چند محور کلی است: حضور در جلسات دادگاه، ارائه گزارش دادگاه، شرکت در کلاس‌های آموزشی و در نهایت، شرکت در اختبار. این فرآیند در ظاهر ساختار مشخصی دارد، اما در عمل با مشکلات متعددی مواجه است. حضور کارآموزان در دادگاه‌ها اغلب



عملکردی خود است. برخی از دلایل و ضرورت‌های اساسی این بازنگری عبارت‌اند از:

- پاسخ‌گویی به تحولات نظام دادرسی و قوانین موضوعه
- آمادگی برای ورود به حوزه‌های حقوقی نوین و تخصصی
- تقویت مهارت‌های عملی، تحلیلی و بین‌رشته‌ای کارآموزان
- نهادینه‌سازی اخلاق حرفه‌ای در رفتار و ذهنیت نسل جدید وکلا
- افزایش کیفیت آموزش و کاهش فاصله بین آموزش و اجرا
- کارآمدسازی فرآیند اختبار به‌عنوان ارزیابی نهایی صلاحیت حرفه‌ای
- برای تحقق این تحول، مجموعه‌ای از راهکارهای اجرایی پیشنهاد می‌شود که می‌تواند در قالب یک برنامه یکساله در کانون‌ها به‌صورت تدریجی اجرا شود:

۱. تدوین برنامه جامع آموزشی با تفکیک حوزه‌های تخصصی

ایجاد سرفصل‌های مشخص برای حوزه‌هایی نظیر حقوق تجارت، آی‌تی، حقوق کیفری نوین، داوری و میانجی‌گری، و مالکیت فکری و ... با مشارکت اساتید دانشگاه، وکلای خبره و قضات بازنشسته.

۲. راه‌اندازی سامانه مدیریت یادگیری و بانک محتوای دیجیتال

ایجاد پلتفرم آموزشی برای دسترسی کارآموزان به فیلم‌های آموزشی، متون به‌روز، پرسش‌نامه‌های تعاملی و نمونه‌پرونده‌ها. همچنین امکان نظارت، گزارش‌گیری و ارزیابی پیشرفت کارآموز از طریق داشبوردهای اختصاصی برای کمیسیون.

۳. طراحی شاخص‌های دقیق ارزیابی مهارت و اخلاق حرفه‌ای

- تهیه چارچوب ارزیابی چندبعدی شامل:
- ارزیابی علمی (تحلیلی، نوشتاری و استدلالی)
- ارزیابی مهارت عملی (حضور در دادگاه، تنظیم لایحه، مشاوره حقوقی)
- ارزیابی رفتار حرفه‌ای (رعایت شئونات، تعامل با موکل و همکاران)

بدون هدف مشخص از سر رفع تلکیف و بدون همکاری مناسب محاکم و هدایت علمی آنها انجام می‌شود. گزارش‌هایی که تهیه می‌شوند بیشتر جنبه تشریفاتی دارند و کمتر موجب تقویت توان تحلیل حقوقی می‌شوند. همچنین در بسیاری از کلاس‌های آموزشی کارآموزی، سرفصل مشخصی وجود ندارد و نحوه ارائه مطالب نیز عمدتاً سنتی، نظری و بدون بهره‌گیری از روش‌های نوین تدریس است. اختبار نیز که باید به‌عنوان آزمون نهایی ارزیابی شایستگی تلقی شود، گاه بدون انسجام محتوایی و با تفاوت‌های فاحش بین کانون‌ها برگزار می‌شود.

یکی دیگر از مهم‌ترین چالش‌های موجود، شکاف جدی میان آموزش‌های ارائه‌شده در دوره کارآموزی و واقعیت‌های جاری در دادرسی و وکالت حرفه‌ای است. با گسترش حوزه‌هایی مانند حقوق داده، جرایم رایانه‌ای، داوری، حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، مالکیت فکری و حقوق محیط زیست لزوم آموزش‌های تخصصی و به‌روز کاملاً احساس می‌شود. اما هنوز بخش عمده‌ای از کلاس‌ها صرفاً بر مفاهیم کلی، قدیمی و به‌روز نشده متمرکز هستند.

در بسیاری از کانون‌ها، وظایف آموزشی، نظارتی و انضباطی کمیسیون کارآموزی به‌صورت متمرکز و بدون تفکیک دقیق انجام می‌شود. این تمرکز باعث کاهش کارایی، نبود شفافیت و سردرگمی در فرآیند آموزش و ارزیابی شده است.

بسیاری از کلاس‌ها توسط افرادی برگزار می‌شوند که نه آموزش‌دیده‌اند و نه بر اصول نوین تدریس یا روش‌های عملی و تعاملی آموزش حقوق مسلط هستند. ارزیابی مستمر کیفیت تدریس محتوای ارائه‌شده و اثرگذاری آن بر کارآموزان، عملاً وجود ندارد. در دنیای امروز، آموزش حقوقی بدون بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ممکن نیست.

اما زیرساخت‌های الکترونیکی آموزش، ارزیابی و نظارت در بسیاری از کانون‌ها یا فراهم نشده یا استفاده مؤثری از آن نمی‌شود. یکی از مأموریت‌های اصلی کمیسیون کارآموزی، آموزش اصول اخلاق و شئونات وکالت است. اما در عمل این بخش یا به حاشیه رانده شده یا به‌صورت پراکنده، مبهم و بدون انسجام ارائه می‌شود. این در حالی است که در عصر کنونی، اعتماد عمومی نسبت به نهاد وکالت نیازمند تقویت و بازسازی است. بر اساس چالش‌های فوق، روشن است که کمیسیون کارآموزی نیازمند بازطراحی ساختار، اهداف و شیوه‌های

۶. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های مهارت‌های مکمل

دوره‌هایی مانند:

- فن بیان و سخنرانی در دادگاه
- مهارت مذاکره با موکل یا طرف دعوا
- اصول نگارش حقوقی حرفه‌ای
- سواد رسانه‌ای حقوقی در فضای مجازی

۷. ارزیابی و بازنگری دوره‌ای عملکرد کمیسیون تدوین سیستم بازخورد مستمر از کارآموزان و مدرسین، وکلای سرپرست، تحلیل بازخوردها، و اصلاح برنامه‌های آموزشی به‌صورت سالانه.

۴. تفکیک ساختاری کمیسیون به واحدهای آموزشی، نظارتی و انضباطی

اصلاح ساختار کمیسیون با تعیین مسئولان مشخص برای هر بخش، امکان پیگیری تخصصی، مستندسازی فعالیت‌ها و افزایش شفافیت عملکرد و استفاده از ظرفیت‌های وکلای سرپرست با تعامل و همکاری متقابل.

۵. جذب مدرسان حرفه‌ای و ناظران تخصصی

همکاری با اساتید حقوق، قضات بازنشسته و وکلای متخصص برای ارائه کلاس‌های باکیفیت، برگزاری شبیه‌سازی دادگاه، تحلیل پرونده‌های واقعی و برگزاری جلسات منتورشیپ.



و در نهایت آنکه کمیسیون کارآموزی کانون وکلای دادگستری، به‌عنوان نهادی بنیادی در شکل‌گیری شخصیت حرفه‌ای وکلای آینده، نیازمند تحولی عمیق در نگرش، ساختار و عملکرد خود است. استمرار در استفاده از شیوه‌های سنتی و غیرفعال، نه تنها موجب کاهش کیفیت آموزش حقوقی، بلکه منجر به افت سرمایه اجتماعی نهاد وکالت خواهد شد. بازطراحی کمیسیون کارآموزی با نگاهی آینده‌نگر، تخصص‌محور و اخلاق‌مدار، ضرورتی است که باید به‌عنوان یک اولویت راهبردی در دستور کار کانون‌های وکلای سراسر کشور قرار گیرد. تنها از مسیر تربیت وکلای متفکر، متخصص و مسئول، می‌توان آینده‌ای روشن‌تر برای حرفه وکالت، کانون وکلا و نظام دادرسی کشور رقم زد.

برگزاری جلسه توجیهی کارآموزان ورودی ۱۴۰۳

پوریا ارشدی :: سرپرست هیات اجرایی کمیسیون کارآموزی

گزارش
تصویری

در تاریخ ۸ تیرماه ۱۴۰۴، سالن همایش جهاد دانشگاهی شیراز، میزبان مراسمی باشکوه برای استقبال از کارآموزان جدیدالورود به عرصه وکالت بود. جلسه توجیهی کارآموزان ورودی سال ۱۴۰۳ با حضور اعضای هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری منطقه فارس، کمیسیون کارآموزی، هیأت اجرایی کمیسیون کارآموزی برگزار شد. این مراسم با سخنرانی ریاست کانون وکلای دادگستری منطقه فارس، ریاست کمیسیون کارآموزی و دبیر این کمیسیون همراه بود که طی آن، نکات کلیدی در خصوص اصول حرفه‌ای، الزامات اخلاقی، و مسیر پیش روی کارآموزان در دوران کارآموزی تبیین شد. در بخش پایانی این رویداد، پروانه کارآموزی به هر یک از کارآموزان اعطاء گردید.







وکیل و قاضی، دو بال فرشته عدالتند

(تصویر جلد آخر)

✦ مصطفی انصاری :: رئیس کمیسیون حمایت از وکلا ✦

ارائه شود، شایسته است که نهادهای تصمیم‌گیر و کارشناسان به این پرسش اساسی پاسخ دهند:

* علت این موج عدالت‌ستیزی چیست ؟ *

یکی از پاسخ‌های احتمالی را می‌توان در گسترش بی‌اعتمادی عمومی به دستگاه عدالت و نقش‌آفرینان آن جست. زمانی که جامعه احساس کند عدالت به درستی اجرا نمی‌شود یا دسترسی به آن دشوار و پرهزینه است، ممکن است بخشی از افراد، متأسفانه به راه‌هایی خشن و قانون‌گریزانه روی آورند.

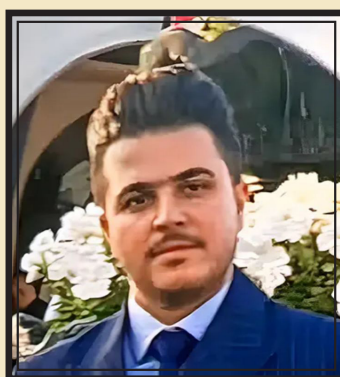
در این میان جای خالی فرهنگ‌سازی واقعی بیش از پیش احساس می‌شود. اگر مردم نهاد عدالت را از خود بدانند، با آن همراه می‌شوند.

پیش از آن‌که ترس بر جان و ذهن همه ما رخنه کند، پیش از آن‌که دلسردی بر حرفه‌های شریف قضاوت و وکالت چیره شود، باید فکری کرد، هم برای امنیت مدافعان قانون و هم برای بازسازی اعتماد عمومی به آن. وکیل و قاضی، هر دو بال فرشته عدالت‌اند.

و این روزها متأسفانه هر دو بال این فرشته زخمی و خونین است...

قربانی خشونت هولناک شد. این واقعه دردناک خاطره تلخ دیگری را نیز زنده کرد. قتل جناب آقای علی سلیمانی، وکیل شریف کانون فارس، که پس از پایان جلسه رسیدگی در خودروی شخصی‌اش با شلیک گلوله به قتل رسید. گرچه در این پرونده قاتل بازداشت شد اما تکرار چنین فجایعی آن هم در فاصله‌ای کوتاه، زنگ خطری جدی است.

زنگ خطری برای همه ما. برای قوه قضاییه، برای کانون وکلا. این وقایع تنها جنایاتی شخصی نیستند، بلکه نشانه‌هایی نگران‌کننده از نوعی خشونت نهادینه‌شده علیه نهاد عدالت‌اند. خشونت که اگر ریشه‌های آن واکاوی نشود، ممکن است به بحران عمیق‌تری بدل گردد. پیش از آن‌که راهکارهای حفاظتی



هفته نخست تیرماه به‌عنوان هفته قوه قضاییه شناخته می‌شود، هفته‌ای برای پاسداشت جایگاه عدالت و قانون. اما امسال این هفته رنگ و بویی متفاوت دارد. سایه‌ای از اندوه و نگرانی بر پیکر جامعه حقوقی کشور گسترده شده است.

در خردادماه سال جاری خبر تلخ قتل یک قاضی جوان، دکتر احسان باقری منتشر شد. خبری که به‌سرعت در رسانه‌ها پیچید و افکار عمومی را جریحه‌دار کرد. تصاویری از خانواده داغ‌دیده او و دختر خردسال آن مرحوم، داغی تازه بر دل مدافعان عدالت نشاند. قاضی جوان که به عدالت‌خواهی و انصاف شهره بود، با پانزده ضربه چاقو بی‌رحمانه و در برابر منزل خود به قتل رسید. عاملان این جنایت یک هفته پس از وقوع حادثه بازداشت شدند اما علی‌رغم گذشت زمان هنوز انگیزه این قتل فاش نشده است.

مدت کوتاهی پس از این واقعه، جامعه حقوقی با خبری دیگر شوکه شد: قتل کارآموز وکالت، فرشید فرجی‌مقدم، در جریان جلسه‌ای برای صلح و سازش. او جوانی بود پرامید، در آغاز راه پرمشقت وکالت که با تمام شور و آرزویی که در دل داشت





بازتاب نقش وکالت در ادبیات پارسی

بهنام پور انصاری

وکیل پایه یک دادگستری و دادیار دادرسی انتظامی

ادبیات پارسی، آینه تمام‌نمای روحیات، مناسبات و آرمان‌های ملت ایران است. در این میان، مفاهیمی چون «عدالت»، «دادخواهی» و «مدافع مظلوم» جایگاه ویژه‌ای دارند. اما سؤال اینجاست: آیا «وکیل» به‌عنوان مدافع حقوقی مردم، در متون ادبی کلاسیک یا معاصر ما جایگاهی دارد؟ اگر دارد، چگونه به تصویر کشیده شده است؟ این نوشتار به بازتاب نقش وکالت در ادبیات پارسی و جایگاه آن در تخیل و حافظه فرهنگی ما نگاهی دارد.

در شاهنامه فردوسی، مفاهیم عدل، داد و پادشاه دادگر همواره ستوده شده‌اند. با اینکه عنوان «وکیل» به شکل امروزی در آن دوره وجود نداشته، اما کاراکترهایی چون «جاماسب»، مشاور کی گشتاسب، و «برزین»، یار رستم، که نقش مشاور، راهنما یا پشتیبان حق‌طلب دارند، به‌نوعی بازتاب مفهوم وکالت‌اند. آن‌ها در جایگاه ناصحان و یاران وفادار، با تکیه بر خرد و عدالت، از مظلوم حمایت کرده و علیه ظلم و ستم می‌ایستند. در گلستان سعدی، حکایاتی همچون داستان «پادشاهی را دیدم که در کنار ظلم، یکی از دانایان در دفاع از مظلومی سخن گفت...» نماد روشن گفتار حق‌خواه در برابر قدرت‌اند. سعدی با نثری شیرین، نقش واسطه‌های خیر و دادخواهان را در قالب شخصیت‌هایی اخلاق‌مدار و شجاع نشان می‌دهد.

مولوی نیز در مثنوی معنوی، در حکایت‌هایی چون «داستان قاضی و زن مظلوم»، بارها از شخصیت‌هایی سخن می‌گوید که در مقام داور، ناصح یا میانجی، به اجرای عدالت کمک می‌کنند. این شخصیت‌ها، بازتابی از روح وکالت‌اند؛ نه لزوماً به‌عنوان وکیل رسمی، بلکه به‌عنوان مدافع حق.

در قرن اخیر، با شکل‌گیری نهاد مدرن وکالت، این نقش حضوری پررنگ‌تر در ادبیات یافته است. در رمان «جای خالی سلوچ» از محمود دولت‌آبادی، گرچه شخصیت وکیل به‌طور مستقیم حضور ندارد، اما فقدان نهادهایی که از مردم دفاع کنند، به شکل استعاری مطرح شده است. در نمایشنامه‌های سعدی مانند «آی با کلاه، آی بی کلاه»، وکیل نقشی متناقض دارد: هم منتقد نظام است و هم درگیر ملاحظات سیاسی و اخلاقی.

در اشعار شاعران معاصر مانند احمد شاملو، هوشنگ ابتهاج یا حتی ناصر فیض، گاه وکیل با چهره‌ای استعاری وارد می‌شود. شاملو در جایی از «دادستانی که لبخند می‌زند، اما می‌کشد» سخن می‌گوید و در واقع به نقد نهادهای قضایی و مدافعان ظاهری قانون می‌پردازد. طنز اجتماعی نیز در شعر معاصر، نقش وکلا و ساختار عدالت را گاه با نگاه انتقادی بررسی کرده است.

هرچند مفهوم «وکیل» به‌عنوان یک حرفه مدرن در ادبیات کلاسیک فارسی چندان دیده نمی‌شود، اما روح وکالت، یعنی دفاع از حق، مبارزه با ظلم و ایستادن در کنار مظلوم، همواره در بطن فرهنگ ما جاری بوده است.

در روزگار جدید، این روح در چهره‌ای ملموس‌تر و حرفه‌ای وارد ادبیات شده و به آینه‌ای برای بازتاب دغدغه‌های اجتماعی، اخلاقی و سیاسی تبدیل گشته است. مطالعه این روند می‌تواند راهی باشد برای بازاندیشی هویت صنفی و اجتماعی وکیل ایرانی.





از وکیل بودن تا حرفه ای شدن

وکالت، صرفایک شغل یا یک حرفه

روایت شیعه زاده از لزوم تحول آموزش در کانون فارس

✍ مصاحبه گر: آیدا نصرالهی شیرازی ✍

گزارش رسمی مصاحبه با خانم شیلا شیعه زاده / رئیس کمیسیون آموزش کانون وکلای دادگستری منطقه فارس کانون وکلای دادگستری منطقه فارس در چارچوب برنامه های خود برای ارتقاء کیفیت آموزش وکلا و کارآموزان و به منظور شناسایی چالش ها، فرصت ها و راهکارهای مؤثر در حوزه ی آموزش حرفه ای وکالت، گفتگویی اختصاصی و مفصل با خانم شیعه زاده، رئیس محترم کمیسیون آموزش این کانون، برگزار نموده است. در این مصاحبه، جنبه های مختلف آموزش وکالت از بدو ورود به حرفه تا مراحل پیشرفته، نقش آموزش های مهارتی، چالش های اجرایی و همچنین راهکارهای پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفته است.

فایده مهارت های لازم برای ورود به بازار کار و حرفه ای وکالت هستند.

ضرورت بازنگری در نظام آموزش حقوق و کارآموزی

ایشان به ضرورت اصلاحات بنیادین در نظام آموزش حقوق تاکید کردند و افزودند: «تلفیق آموزش های علمی-حقوقی با آموزش مهارتی - کاربردی، می تواند موجب ارتقاء سطح علمی و فنی وکلا شود». یکی از اقدامات مؤثر صورت گرفته در همین راستا، انعقاد تفاهم نامه ی همکاری سه جانبه آموزشی - پژوهشی میان کانون وکلای دادگستری فارس، دانشگاه آزاد اسلامی استان فارس و دادگستری کل استان فارس است که می تواند آثار و نتایج مثبتی را به همراه داشته باشد.

راهکارهای پیشنهادی کمیسیون آموزش کانون

خانم شیعه زاده به چندین راهکار کلیدی اشاره کردند که می تواند به ارتقاء کیفیت آموزش در کانون وکلا کمک کند که آن ها را در ادامه خواهیم شمرد:

۱. برگزاری دوره های مهارتی تخصصی شامل آموزش شیوه ی استدلال حقوقی، نحوه ی مذاکره و تعامل با موکل و مدیریت پرونده و همچنین مهارت های عمومی از جمله اصول و فنون نگارش، مدیریت استرس، خشم و ...
۲. ایجاد دادگاه های مجازی و شبیه سازی فرآیندهای دادرسی برای افزایش تجربه ی عملی کارآموزان و وکلای جوان.

معرفی و سوابق علمی و حرفه ای خانم شیعه زاده

خانم شیلا شیعه زاده از سال ۱۳۸۸ در کمیسیون های مختلف کانون وکلا از جمله بانوان (یک دوره)، حقوق بشر (دو دوره) و آموزش (سه دوره) فعالیت صنفی داشته و پس از طی دوره های لازم، در سال ۱۳۹۱ پروانه ی پایه یک وکالت خود را دریافت کرده اند. ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق عمومی و همچنین دکتری حقوق عمومی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران در مرحله دفاع از رساله هستند و بیش از شش سال است به عنوان مدرس حقوق در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز به تدریس دروس تخصصی حقوق عمومی اشتغال دارند. سوابق علمی و حرفه ای خانم شیعه زاده، همراه با تجربه عملی در کانون وکلا، ایشان را به فردی متخصص و مطلع در حوزه ی آموزش وکالت تبدیل کرده است که در گفتگو نیز، به تحلیل دقیق و کارشناسانه ی مسائل آموزشی وکلا پرداخته اند.

مهم ترین چالش های آموزش وکلا در بدو ورود به حرفه

خانم شیعه زاده با اشاره به ساختار نظام آموزش حقوق در دانشگاه ها، مشکلات جدی و ریشه ای را در کیفیت آموزش نظری و فقدان آموزش های عملی در دوره ی تحصیل دانشجویان حقوق برشمردند. ایشان اظهار داشتند که ورود گسترده و بدون آزمون دانشجویان به رشته ی حقوق در برخی از دانشکده ها، کیفیت آموزش را تنزل داده و بسیاری از فارغ التحصیلان، علی رغم گذراندن دروس متعدد نظری،

سخن گفتند. ایشان اظهار داشتند که برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های تخصصی در این حوزه‌ها، علاوه بر ایجاد حساسیت نسبت به مقوله‌ی عدالت جنسیتی، نقش مؤثری در افزایش مشارکت بانوان در فعالیتهای حرفه‌ای و اجتماعی خواهد داشت.

آموزش‌های نوین و بهره‌گیری از فناوری

خانم شیعه‌زاده به اهمیت بکارگیری فناوری‌های نوین در آموزش و کلا اشاره کردند و بیان داشتند که آموزش و کلا باید با تحولات دیجیتالی هم‌گام شود. ایشان افزودند که استفاده از دادگاه‌های مجازی، آموزش مهارت‌های حقوقی مبتنی بر هوش مصنوعی و بهره‌گیری از پلتفرم‌های آموزش آنلاین، بخشی از برنامه‌های آتی کمیسیون آموزش خواهد بود که هدف آن، افزایش کارایی و دسترسی آسان‌تر به آموزش‌های تخصصی است.

چالش‌ها و نقدهای داخلی کمیسیون آموزش

در بخش پایانی مصاحبه، خانم شیعه‌زاده به برخی چالش‌های داخلی کمیسیون آموزش اشاره کردند، از جمله: «با تقدیر و تشکر از اعضای دغدغه‌مند و تلاش‌گر کمیسیون که در پیش‌برد اهداف کمیسیون از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند؛ لیکن انفعال درمیان بخشی از اعضای کمیسیون وجود دارد. همان وضعی که متأسفانه در سایر کمیسیون‌ها نیز شاهد آن هستیم. لازم به ذکر است که کارویژه‌ی اصلی کمیسیون آموزش، نیاز سنجی دقیق جهت تدارک و تمهید برنامه‌های آموزشی برای همکاران گران‌قدر است و به معنای انحصار جلسات سخنرانی برای اعضای محترم کمیسیون نیست». ایشان تاکید کردند که رفع این چالش‌ها مستلزم تلاش مستمر و همکاری تمامی اعضا و مدیران کانون است.

تجربیات مدیریتی و جایگاه بانوان در کانون و کلا

خانم شیعه‌زاده با بیان تجربه‌ی حضور خود به عنوان یک زن در جایگاه مدیریتی کانون و کلا، به موانع فرهنگی و روندهای تاریخی موجود اشاره کردند که همچنان بر جامعه حاکم است و به تبع آن بانوان وکیل نیز در مصاف با آن هستند؛ لیکن حدیث آرمان‌خواهی از راه فعالیت مداوم، توأم با حس مسئولیت حتماً رقم خواهد خورد.

۳. استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش، از جمله دوره‌های آنلاین و وبینارهای تخصصی که دسترسی به آموزش را تسهیل می‌کند.
۴. افزایش هم‌گرایی میان کمیسیون‌های آموزش و کارآموزی در جهت برگزاری دوره‌ها و جلسات علمی.
۵. برگزاری کارگاه‌های تخصصی با حضور اساتید برجسته و وکلای مجرب به منظور انتقال تجربیات عملی، اخلاقی و حرفه‌ای.

اجباری شدن آموزش و تمدید پروانه وکالت

در بخش دیگری از مصاحبه، خانم شیعه‌زاده درباره‌ی ضرورت و اهمیت آموزش مستمر برای وکلا سخن گفتند و تصریح کردند که در حال حاضر وکلا پس طی دوران کارآموزی به صورت قانونی الزامی به گذراندن دوره‌های آموزشی ندارند و همین باعث می‌شود که در بسیاری موارد شاهد استهلاک علمی وکلا و عدم آشنایی با رویه‌ها و قوانین جدید باشیم. لذا لازم است تمهیدات و تصمیمات مقتضی توسط کانون‌های وکلا اتخاذ شود. ایشان یادآور شدند که آموزش مستمر می‌تواند منجر به افزایش سطح دانش و مهارت‌های وکلا شده و در نهایت نیز افزایش اعتماد عمومی به نهاد وکالت را در پی خواهد داشت.

نقش آموزش، در ارتقاء جایگاه وکالت و اعتماد عمومی

خانم شیعه‌زاده تاکید کردند که حرفه‌ی وکالت، بیش از دانش حقوقی صرف، نیازمند مهارت‌های ارتباطی، مزین بودن به اخلاق حرفه‌ای و مدیریت شرایط و اوضاع و احوال است؛ لذا آموزش‌های تخصصی و مستمر موجب می‌شود وکلا بتوانند خدمات حقوقی با کیفیت مطلوب و به شکل متعهدانه به مراجعین ارائه کنند و این امر در نهایت موجب افزایش اعتبار وکالت و اعتماد عمومی به این حرفه خواهد شد.

توجه ویژه به آموزش بانوان وکیل

خانم شیعه‌زاده با اشاره به حضور رو به رشد بانوان در حرفه‌ی وکالت، و اهمیت برابری صنفی از برنامه‌های ویژه‌ی کمیسیون آموزش برای بانوان وکیل در حوزه‌های مرتبط با حقوق زنان، مقابله با خشونت و مسائل اجتماعی

خانم شیعه‌زاده در پایان مصاحبه، تاکید کردند که آموزش مستمر و پایبندی به اخلاق حرفه‌ای، ستون فقرات موفقیت وکلا در هر حوزه‌ی تخصصی است و تنها با بهره‌مندی از آموزش‌های کیفی و به‌روز می‌توان به ارائه خدمات حقوقی مسئولانه و موثر به جامعه دست یافت. ایشان از تمامی وکلا و کارآموزان خواستند که از فرصت‌های آموزشی کانون نهایت بهره را ببرند و در مسیر ارتقاء کیفیت حرفه‌ی وکالت، نقش مؤثر و فعال ایفا نمایند.



گزارش عملکرد کمیسیون ها

کمیسیون ماده ۸

کهگیلویه و بویر احمد رسیده است.

- بررسی و تهیه گزارش و ارجاع پرونده های ثبت شده در خصوص متقاضیان مشمول بندهای «ب» و «د» ماده ۸ قانون مذکور، با رعایت تقدم تاريخ ثبت درخواست، به اعضای محترم کمیسیون.
- تهیه گزارش به هیئت مدیره در خصوص پرونده های بررسی شده در کمیسیون

فاطمه علایی-رئیس کمیسیون ماده هشت

این کمیسیون در راستای اجرای ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری تاکنون سه جلسه تشکیل داده و به منظور تحقق وظایف محوله، اقدامات زیر را انجام داده است:

- آشنایی با اعضا و تشریح نحوه فعالیت کمیسیون در نخستین جلسه و انجام مقدمات تنظیم آیین کار که نهایتاً در ۹ ماده و یک تبصره، به همراه فرم های پیوستی، به تصویب هیئت مدیره محترم کانون وکلای فارس و



اداره نظارت و بازرسی

وکلاي کشور نوآورانه بوده و فصل جدیدی از نحوه مدیریت اداره نظارت و بازرسی را پیش روی کانون وکلا قرار داده است، به هیئت مدیره محترم تقدیم نمود. این آیین کار در جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ به تصویب رسید.

در این آیین کار، ساختاری جدید و نوین برای اداره نظارت و بازرسی پیش بینی شده است؛ از جمله تشکیل معاونت

با آغاز فعالیت هیئت مدیره دوره سی و چهارم و انتخاب اعضای اداره نظارت و بازرسی، جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ با حضور اعضای اداره نظارت و بازرسی در محل کانون وکلا برگزار شد. در این جلسه، کارگروه تدوین آیین کار اداره نظارت و بازرسی انتخاب گردید.

این کارگروه با فعالیت مستمر و انجام پژوهش های لازم، نهایتاً آیین کار پیشنهادی خود را که در سطح کانون های

ایجاد شفافیت، برقراری نظم، ارتقای سطح اعتماد عمومی به نهاد وکالت، و پیشگیری از بروز تخلفات و کلا، گامی مؤثر برداشته شود.

در پایان، اداره نظارت و بازرسی از اعضای کارگروه تدوین این آیین کار تقدیر و تشکر به عمل می‌آورد. اسامی کارگروه آیین کار اداره نظارت و بازرسی:

۱. اسکندر کاظمی
۲. محسن جلالی مهر
۳. جعفر بهمنی
۴. کاظم شایسته
۵. محمد محمود ربانی نیا
۶. سلمان پارسایی
۷. زیبا شیبانی

سلمان پارسایی - دبیر اداره نظارت و بازرسی



معرفی

جمله آسیب به محیط‌زیست، تعرض به حقوق فرهنگی، تبعیض ساختاری، نقض حریم خصوصی، خشونت خانگی، سرکوب آزادی بیان، و هر شکل دیگری از نقض کرامت انسانی، مقابله‌ای آگاهانه، مستند، مستدل و حقوق‌محور داشته باشد.

۱. تدوین و ارائه آیین کار داخلی کمیسیون

در نخستین جلسات رسمی کمیسیون، به‌منظور ساماندهی فرآیندهای داخلی و افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی، پیش‌نویس آیین کار داخلی کمیسیون تدوین گردید که مشتمل بر ساختار درونی، حدود صلاحیت کارگروه‌ها، سازوکار برگزاری جلسات، فرآیند تصویب مصوبات، نظام گزارش‌دهی، و نحوه تعامل و مکاتبه با مراجع درون‌کانونی و نهادهای برون‌سازمانی است.

این آیین کار به تصویب اولیه کمیسیون رسیده و در اجرای نظامات حاکم بر کانون، جهت تصویب نهایی و اجرا به

در اجرای مصوبه هیأت‌مدیره محترم کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد و در راستای ایفای وظایف حرفه‌ای، اجتماعی و قانونی نهاد وکالت در صیانت از کرامت انسانی و ارتقاء منزلت حقوق بشر در نظام حقوقی کشور، کمیسیون حقوق بشر کانون فارس از ابتدای خردادماه ۱۴۰۴ به‌صورت رسمی آغاز به کار نمود. در سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات کمیسیون، اولویت اصلی، صیانت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین شهروندان ایرانی است و هدف اولیه کمیسیون، آموزش حقوق بشر و گسترش ادبیات حقوق بشری در میان وکلای عضو کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد؛ به‌نحوی که وکلا به‌عنوان مدافعان حقوق و آزادی‌های بنیادین، نقشی فعال‌تر و آگاهانه‌تر در حمایت از حقوق بشر ایفا نمایند. کمیسیون خود را متعهد می‌داند که با هر آنچه تهدیدکننده حقوق شهروند ایرانی است، از



بیانیه‌ها با اتکاء به موازین قانونی، اصول حقوق بشر و اخلاق حرفه‌ای وکالت، تنظیم و منتشر شده‌اند.

۴. طراحی دوره آموزشی: «مداخلات اجتماعی و حقوقی در مواجهه با خشونت خانگی»

در همین راستا و با عطف به حساسیت، شکنندگی و آسیب‌پذیری مضاعف بانوان و کودکان در برابر اشکال مختلف خشونت—که متأسفانه با فراوانی و شدت بیشتری نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی تجربه می‌شود—کمیسیون حقوق بشر کانون فارس در نظر دارد سلسله کارگاه‌های تخصصی و آموزشی با محوریت موضوعاتی چون «خشونت خانگی» و «خشونت علیه کودکان» برگزار نماید.

مقدمات کار فراهم گردیده و این کارگاه‌ها با هدف افزایش

هیأت‌مدیره محترم کانون تقدیم گردیده است.

۲. تشکیل کارگروه‌های تخصصی موضوع محور

بنا به تجویز ماده ۷ آیین کار داخلی و در راستای تمرکز فعالیت‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت تخصصی اعضا، کمیسیون اقدام به تشکیل کارگروه‌های تخصصی به شرح زیر نمود:

- کارگروه حقوق زنان
 - کارگروه حقوق کودک و نوجوان
 - کارگروه حقوق محیط‌زیست
 - کارگروه آزادی‌های مدنی و حقوق فرهنگی
- مطابق آیین کار این کارگروه‌ها، با تعیین دبیر، شرح وظایف، دامنه موضوعی و سازوکار گزارش‌دهی، فعالیت خود را آغاز خواهند نمود.

۳. صدور بیانیه‌های حقوقی و موضع‌گیری رسمی

با هدف حضور فعال در سپهر عمومی و ایفای نقش مدنی، کمیسیون طی خردادماه ۱۴۰۴ اقدام به انتشار چهار بیانیه تحلیلی و مستند در واکنش به موضوعات زیر نموده است:

- بیانیه به مناسبت روز جهانی کارگر، با تأکید بر حق داشتن تشکلهای صنفی
- بیانیه گرامیداشت روز معلم، با محوریت منزلت حقوقی-اجتماعی معلمان و الزامات کرامت حرفه‌ای
- بیانیه محکومیت تحریف نام خلیج فارس، مستند به اسناد حقوق فرهنگی و قواعد بین‌المللی
- بیانیه محکومیت ترور قاضی دادگستری، با تأکید بر صیانت از استقلال و امنیت قضات

اعضای کمیسیون حقوق بشر



علی‌رضا صادقی-رئیس



بابک باصری-عضو



امیر قهرمان گرای-عضو



هجران آفایی-عضو



نرگس آذر-عضو



طناز حسین‌پور-عضو



ایلناز ارسلان نژاد-عضو



نرگس نوروزی-عضو



گزارش عملکرد هیات مدیره کانون وکلای دادگستری منطقه فارس

دوره گزارش: تیر ماه ۱۴۰۴

فرشید احمدی
سخنگوی هیات مدیره

الف - خلاصه امور جلسات چهاردهم الی هجدهم

۱. چابک سازی خدمت رسانی در حوزه ها با انتصاب و تکمیل شبکه نمایندگان و اعضای معاضدت/بازرسی/سازش در چندین شهرستان (از جمله مرودشت، نورآباد، جهرم، کوهچنار، خرامه، کازرون، آباده و فسا) و ابلاغ احکام و تعیین مسیر گزارش دهی منظم برای ایشان.
۲. تصویب آیین کار کمیسیون ماده ۸ (۹ ماده و یک تبصره) با اصلاحات شکلی و اجرایی.
۳. تکمیل ترکیب کمیسیون ها یا کارگروه ها و تعیین اعضای کمیسیون سازش در چند حوزه قضایی.
۴. تنظیم دو سند برای جلسه ی بعد: پیش نویس تفاهم نامه با اداره کل امور اتباع و مهاجرین و آیین کار کمیسیون بانوان.
۵. امضای تفاهم نامه همکاری با سازمان بهزیستی استان فارس به منظور بهبود دسترسی زنان، کودکان و افراد دارای معلولیت به خدمات حقوقی.
۶. تصویب آیین کار کمیسیون روابط عمومی (۱۳ ماده) برای استانداردسازی اطلاع رسانی و حضور رسانه ای.
۷. تصویب آیین کار اداره نظارت و بازرسی (۳۰ ماده) و ارجاع برای اجرا.
۸. قرائت گزارش نماینده کانون در شورای اجرایی اتحادیه (اسکودا) درباره تحولات اخیر و تصمیم برای اعلام موضع رسمی کانون پس از بحث پیرامون اداره اتحادیه.
۹. تفویض بخشی از اختیارات رئیس کانون به نمایندگان حوزه های قضایی جهت تسریع امور شهرستان ها؛ پیش بینی تأمین ملزومات و پشتیبانی اداری متناسب.
۱۰. به روز رسانی ترکیب برخی کمیسیون ها و ارکان (از جمله کمیسیون انتشارات و هیأت تحریریه؛ همچنین تعیین رئیس کمیسیون تسخیری).
۱۱. تصمیم مالی: در برابر درخواست مالی کمیسیون بانوان موافقت شد و بودجه درخواستی تخصیص یافت تا طرح های اولویت دار اجرا شود.

ب- نشست هیأت مدیره کانون با اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استان فارس

به منظور ارتقای دسترسی اتباع به خدمات حقوقی و انتظام بخشی حقوقی به امور اتباع، نشست مشترک هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری

آگاهی عمومی، ارتقای حساسیت نهادهای حقوقی و قضایی، توانمندسازی و کلا، و ترویج فرهنگ پیشگیری از خشونت طراحی و اجرا خواهند شد. این دوره شامل درس گفتارهای تخصصی در حوزه های مددکاری اجتماعی، روان شناسی، حقوق کیفری، روان پزشکی، روایت گری و حمایت حقوقی خواهد بود. نکته مهم آن که اجرای دوره منوط به تأمین بودجه و حمایت هیأت مدیره کانون بوده و در حال حاضر، مقدمات علمی و سازمانی آن آماده اجراست.

۵. پیگیری حقوقی در حوزه محیط زیست

در پی دریافت گزارش ها و مستندات میدانی از سوی تشکل های مردم نهاد محیط زیستی و شهروندان دغدغه مند، کمیسیون با بررسی ابعاد حقوقی پروژه تله کابین شیراز، اقدام به تنظیم شکوائیه و اعلام جرم علیه مجریان پروژه به اتهام تخریب گسترده منابع طبیعی و تجاوز به حریم محیط زیست نموده است. این اقدام در چارچوب و در راستای مسئولیت حرفه ای نهاد وکالت در صیانت از حقوق عمومی و بین نسلی، با همراهی و تعامل تشکل های مدنی تخصصی صورت گرفته است.

۶. تعامل با شعب ویژه رسیدگی به جرایم اطفال

کمیسیون در جهت تضمین دادرسی منصفانه برای کودکان و نوجوانان، با شعب تخصصی جرایم اطفال وارد مذاکره شده و آمادگی خود را برای معرفی وکلای متخصص و آموزش دیده در حوزه دادرسی اطفال، به صورت رسمی اعلام نموده است. کمیسیون حقوق بشر کانون فارس بر آن است تا با اتکا به خرد جمعی، دانش تخصصی و تعهد حرفه ای وکلا، گام هایی مؤثر در مسیر احیای حقوق شهروندی و ترویج ارزش های حقوق بشری بردارد.

علی رضا صادقی - رئیس کمیسیون حقوق بشر



منطقه فارس با اداره اتباع استان برگزار شد. در این نشست، دکتر هومان پارسا، رئیس کانون، با تأکید بر «لزوم دسترسی برابر اتباع به عدالت»، به یکی از چالش‌های اخیر پرداخت و خاطرنشان کرد: با توجه به روند خروج بخشی از اتباع از کشور، برخی موجرین ایرانی از استرداد مبالغ و دیعه یا پیش‌پرداخت قراردادهای اجاره اتباع خودداری می‌کنند؛ موضوعی که نیازمند سازوکار مؤثر برای صیانت از حقوق طرفین و جلوگیری از تضییع حق اتباع در حال خروج از کشور می‌باشد.

به موجب آن، ارجاع منسجم پرونده‌های قضایی اتباع به کانون برای ارائه خدمات و کالتی سامان می‌یابد و هم‌زمان طرحی پژوهشی مشترک برای سنجش نرخ و الگوهای جرائم و تدوین راهکارهای پیشگیرانه مبتنی بر داده اجرا می‌شود. برنامه‌های آموزشی برای آگاهی بخشی حقوقی اتباع پیش‌بینی شده و سازوکاری برای پایش مستمر و ارزیابی دوره‌ای نتایج این همکاری در نظر گرفته شد.

نایب‌رئیس هیأت‌مدیره نیز با اشاره به اهمیت رویکرد پیشگیرانه، بر «بررسی ابعاد پیشگیری از جرم در حوزه اتباع» و طراحی اقدامات مبتنی بر داده برای کاهش تعارضات و جرائم تأکید کرد. وی با تبیین ضرورت هم‌افزایی بین نهادهای کانون وکلا و امور اتباع، خواستار راه‌اندازی مسیرهای پژوهشی هدفمند در این حوزه شد. در جمع‌بندی نشست، طرفین تفاهم‌نامه‌ای امضا کردند که

ج- دیدار هیأت مدیره با رئیس دادگستری و دادستان و جمعی از وکلای مرودشت

سازش در پرونده‌های کم‌اهمیت برای کاهش ورودی‌ها گزارش داد و رئیس دادگستری با اشاره به کمبود نیروی انسانی، راه‌اندازی شعب صلح، تقویت شیوه‌های جایگزین حل اختلاف، کاهش زمان رسیدگی و پاسخگویی روزانه را از برنامه‌ها برشمرد.

در جمع‌بندی، دکتر پارسا پیشنهاد برگزاری جلسات سازش در دفاتر وکلای منتخب و ایجاد شعب داوری کانون در مرودشت با بهره‌گیری از ظرفیت مرکز داوری کانون را مطرح کرد. نشست با قدردانی متقابل و تأکید بر تداوم تعامل سازنده پایان یافت.

به مناسبت هفته قوه قضاییه، در ۱۱ تیر ۱۴۰۴ نشست هیأت‌مدیره کانون وکلای دادگستری منطقه فارس با حضور دکتر هومان پارسا (رئیس کانون)، دکتر مهدی هوشیار (نایب‌رئیس) و رمضان نوروزی (بازرس) و جمعی از وکلای مرودشت با آقای مظفری رئیس دادگستری و آقای روانشاد دادستان شهرستان برگزار شد.

در این نشست بر تداوم همکاری‌های آموزشی مشترک، برگزاری منظم دوره‌ها و جلسات نقد آراء، رسیدگی به مشکلات وکلا در تعامل با ضابطان و شناسایی مؤسسات حقوقی غیرمجاز تأکید شد. دادستان مرودشت از تمرکز بر





۱۳ تیرماه بزرگداشت

سپهر سگینه

آری، آری، جان خود در تیر کرد آرش
کار صدها، صد هزاران تیغهی شمشیر کرد آرش





فرشته عدالت، زخمی اما استوار

